

جوان و پاکدامنی



محمد تقی صرفی پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دعوت خدا به پاکی و پاکدامنی

از روزیکه خداوند انسان را خلق کرد او را به پاکدامنی ظاهری و باطنی دعوت نمود. و احکامیکه برای او جعل نمود بر این اساس است. اگر از شراب او را نهی نموده است برای این است که شراب پلید و رجس است. اگر از خوگ او را نهی نمود برای این است که خوگ پلید است «اولحم خنزیر فأنه رجس» و اگر از زنا و لواط و اعمال خلاف عفت دیگر نهی نمود برای این است که آنها انسان را از طهارت باطنی دور می نمایند.

پلیدی بر دو گونه است: پلیدی ظاهری که در پلیدیهای همچون شراب و گوشت خوگ بکار می رود.

و پلیدی باطنی و معنوی که در شرک و کفر و اعمال خلاف عفت بکار می رود. «كذلك الله الرجس على الذين

لا يؤمنون.» «واما الذين فى قلوبهم مرض فزادتهم رجسا الى رجسهم وماتوا وهم كافرون.»

در میزان آمده است که: رجس نسبت به انسان یعنی ادراک نفسانی و اثری شعوری که از علاقه قلب بع اعتقادی باطل یا عملی زشت حاصل می شود.

در تفسیر نمونه آمده است که: خدا همه گناهان را رجس می داند. لذا بر شرک، مشروبات الکلی، قمار، نفاق، گوشه‌ت‌های حرام و ناپاک و مانند آنها رجس اطلاق می شود.

نمونه هایی از مدح پاکدامنی در قرآن

خداوند در مهمترین آیه مربوط به اهل بیت (ع) که بعنوان آیه **تطهیر** معروف است می فرماید: **اَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَ كُمُ تَطْهِيرًا** همانا خدا اراده کرده است که هر پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را پاک کند پاک کردنی.

خداوند در قرآن فرموده است: **ان الله يحب التوابين**

والمُتَطَهِّرِينَ

همانا خداوند توبه کنندگان و پاک شوند را دوست دارد.

درباره همسران بهشتی آنها را با پاکدامنی توصیف
می نماید: لهم فیها ازواج مطهره و هم فیها خالدون
همسران بهشتی پاکدامن و دور از رجس هستند.

درباره کعبه به ابراهیم (ع) دستور می دهد که آن را از
آلودگی ظاهری دور نماید. و عهدنا الی ابراهیم واسماعیل
ان طهرا بیتی

با ابراهیم واسماعیل عهد کردیم که خانه مرا پاک سازند.
درباره مریم (ع) او را با صفت پاکی از پلیدی توصیف
نموده است: یا مریم ان الله اصطفیک و طهرک
واصطفیک علی نساء العالمین
ای مریم! خدا تو را برگزید و پاک کرد و بر زنان عالم سروری
داد.

درباره خاندان لوط از زبان قومش آورده است که
اینهارا از شهرمان دور کنیم زیرا اینها پاکدامن هستند. انهم
اناس یتطهرون

اینها مردی پاکیزه طلب (پاکدامن) هستند.
زکات و حقوق مالی الهی را پاک کردن نامیده
است: خذ من اموالهم صدقه تطهرهم وتزكیهم
با گرفتن صدقات آنها را پاک و تصفیه نما.
مردان مسجد قبا را به پاکی ستوده است. فیه رجال
یحبون ان يتطهروا والله یحب المطهرین

**در این مسجد مردان پاک هستند و خدا پاکان را دوست
دارد.**

عفت در روایات اسلامی

در منابع حدیثی، اهمیت فوق العاده‌ای به «عفت» داده شده است که به
بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- امام امیر المؤمنین علیه السلام، عفت را برترین عبادت شمرده
است: «افضل العبادۃ العفاف»^(۱۵) «تعبیر به عفت در این جا، ممکن
است به معنی وسیع آن استعمال شده و یا ممکن است در مقابل شکم
پرستی و شهوت جنسی به کار رفته باشد.

۲- امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «ما عبد الله بشيء افضل من عفة بطن و فرج، هیچ عبادتی در پیشگاه خداوند، برتر از عفت در برابر شکم و مسایل جنسی نیست»^(۱۶)

۳- در روایت دیگری از آن حضرت- که تفسیری بر روایت سابق است- آمده است که مردی خدمت امام علیه السلام عرض کرد: اعمال و طاعات من ضعیف و روزه‌ام کم است، ولی امیدوارم که هرگز مال حرامی نخورده‌ام. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «ای الاجتهاد افضل من عفة بطن و فرج، کدام تلاش در راه اطاعت خدا، برتر از عفت در مقابل شکم و مسایل جنسی است.»^(۱۷)

۴- امام علی بن ابیطالب علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند: «إذا اراد الله بعد خيرا اعف بطنه و فرجه، هنگامی که خداوند خیر و خوبی برای بنده‌اش بخواهد، به او توفیق می‌دهد که در برابر شکم و شهوت پرستی عفت پیدا کند.»^(۱۸)

۵- در حدیث دیگری که مفضل از امام صادق علیه السلام، در توصیف شیعیان واقعی نقل شده، آن حضرت چنین می‌فرمایند: «انما شیعة جعفر من عف بطنه و فرجه و اشتد جهاده و عمله لخالقه و رجاء

ثوابه و خاف عقابه فاذا رايت اولئک فاولئک شيعه

جعفر، پیروان حقیقی جعفر بن محمد، کسانی هستند که در برابر شکم پرستی و بی بند و باری جنسی، عفت و (در راه بندگی خدا) تلاش و کوشش فراوان دارند، به ثواب او امیدوارند و از عقاب او بیمناک.

(به همین دلیل، پیوسته، در راه حق حرکت می کنند. هر گاه کسی را با این صفات ببینی، آنها پیروان و شیعیان جعفر بن محمد علیه السلام می باشند.)^(۱۹)

۶- امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «قدر الرجل علی قدر همته، و صدقه علی قدر مروته، و شجاعته علی قدر انفته و عفته علی قدر غیرته، ارزش هر کس به اندازه همت او و صداقت هر کس به اندازه شخصیت او و شجاعت هر کس به اندازه زهد و بی اعتنایی او به ارزشهای مادی و عفت هر کس به اندازه غیرت اوست.»^(۲۰)

بدیهی است، افراد غیرتمند راضی نمی شوند که کسی نگاه آلوده به نوامیس آنها کند، به همین دلیل، نسبت به نوامیس دیگران نیز حساسند و متعرض آنها نمی شوند.

۷- این بحث را با حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله پایان می دهیم، آن حضرت صلی الله علیه و اله در این روایت ضمن بیان این که: «سه چیز است که بر اتم از آن سه بیمناکم» سومین آنها را «شهوة البطن و الفرج، شکم پرستی و شهوت پرستی جنسی»^(۲۱) می دانند.

نتیجه

آنچه از آیات و روایات فوق حاصل می شود، این است که: اسلام اهتمام فوق العاده به مساله پرهیزکاری در برابر شهوت شکم و بی بند و باری جنسی دارد تا جایی که آن را نشانه شخصیت، غیرت، ایمان و پیروی از مکتب اهل بیت علیهم السلام معرفی می کند. تاریخ نیز سرچشمه بسیاری از گرفتاری های انسان را از همین دو امر (شهوت شکم و شهوت جنسی) می داند، زیرا شهوت شکم، به انسان اجازه تفکر مشروع را نمی دهد تا به وسیله آن، حقوق انسان ها را رعایت کند و در مسیر عدالت گام بردارد. به همین علت، انسان را به ارتکاب انواع گناهان وا می دارد.

علاوه بر اینها، شهوت شکم، سرچشمه بسیاری از بیماری‌های جسمانی و اخلاقی است تا آنجا که گاهی، شکم به بت خطرناکی مبدل شده و انسان را به پرستش و اطاعت خویش در همه زمینه‌ها وادار می‌سازد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نیز، در این رابطه، درباره مردم آخر الزمان فرموده است «یاتی علی الناس زمان بطونهم الهتهم و نسائهم قبلتهم و دنانیرهم دینهم، و شرفهم متاعهم، لا یبغی من الایمان الا اسمہ و لا من الاسلام الا رسمہ و لا من القرآن الا درسہ، مساجدهم معمورۃ من البناء و قلوبهم خراب علی الہدی، زمانی بر مردم فرا می‌رسد که شکم‌های آنها بت‌های آنهاست و زن‌های آنها قبله آنهاست و دینارهایشان دینشان و شرفشان متاعشان است، در آن زمان از ایمان جز نامی و از اسلام جز رسمی و از قرآن، جز درسی باقی نمی‌ماند، مساجدشان از نظر ساختمان آباد و دل‌هایشان از نظر هدایت خراب است...»

در ذیل این حدیث آمده است: «خداوند در چنان شرایطی، آنان را به چهار بلا مبتلا می‌کند، جور سلطان و قحطی زمان و ظلم والیان و حاکمان (۲۲)»

فرق میان ظلم و جور (که در بسیاری از روایات در برابر هم قرار گرفته‌اند) ممکن است از این جهت باشد که واژه جور، در اصل به معنی انحراف از مسیر حق است، بنابراین جور سلطان به انحرافات صاحبان سلطه و فرمانروایان اطلاق می‌شود، در حالی که ظلم به معنی بی‌عدالتی است.

در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است: «ایاک و ادمان الشیع فانه یهیج الاسقام و یشیر العلل، از پرخوری پرهیز که انواع بیماری‌ها را تحریک کرده، و سرچشمه مرض‌هاست.» (۲۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نیز فرموده است: «هر کس از شر شکم و زبان و آلت جنسی خود در امان بماند، از همه بدی‌ها محفوظ مانده است.» (۲۴)

اصول کافی، ج ۲، ص ۷۹-۱۶- همان- ۱۷- همان- ۱۸- غرر الحکم، شماره ۴۱۱۴- ۱۹- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۹۹- ۲۰- نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۴۷.

۲۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۷۹- ۲۲- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۵۳- ۲۳- شرح غرر الحکم، حدیث ۲۶۸۱، جمله ۱، ص ۳۰۰- ۲۴- معراج السعاده، ص ۳۱۰.

نتیجه این است که خداوند افراد پاک را چه پاک
ظاهری و چه پاک معنوی دوست دارد و از رجس و پلیدی
بر حذر داشته است. چرا پاک بودن خوب و پلید بودن بد
است؟ و چرا خداوند پاکان را دوست دارد و پلیدان را دشمن؟

و چرا خود خداوند هم از صفات پلید و زشت منزّه است. وقتی
ما خداوند را تسبیح می‌نمائیم او را از همه بدیها و ضعفها
و پلیدیها منزّه می‌دانیم.

در جواب باید گفت که این به آثار پاک بودن و یا پلید بودن
بر می‌گردد. کسیکه بوسیله شرک پلید شده است بر خلاف
فطرتش عمل کرده و بحالت قهقهه را سقوط می‌نماید. کسیکه
شراب می‌خورد از آثار خطرناک آن بهره‌مند می‌شود. کسیکه
کارهای خلاف عفت می‌کند دار آثار مخرب آن هم
می‌گردد.

این مقدمه‌ای بود تا به مسئله آثار پاکدامنی در جامعه
و خانواده بپردازیم.

ازدواج بهترین راه پاکدامنی جنسی

در نزد خداوند که خالق انسانها می باشد، عمل ازدواج
بهترین بنا محسوب می شود و کسانی که غرایز جنسی خود را
فقط بوسیله ازدواج مشروع، ارضا نمایند، پاک محسوب
می شوند.

«نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم انی شئتم» بقره ۲۲۳
همسران شما مانند کشتزار شما هستند که هر گونه
بخواهید می توانید از آن بهره ببرید.

«فانکحوا ما طاب لکم من النساء» نساء ۳
بازنانی که برای شما حلال است ازدواج نمائید.
«وانکحوا الایامی منکم والصالحین من عبادکم
وامائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع
علیم» نور ۳۲

دختران و پسران صالح را با ازدواج هم دریاورید که
اگر فقیر هم باشند، خداوند آنها را از فضلش بی نیاز می کند
و خداوند وسعت دهنده و عالم است.

این هنری است که افراد پاک و پرهیزکار دارند که
خود را از حرام الهی مخصوصاً محرمات جنسی دور نگه

می‌دارند و بعضی آنقدر پاک بوده‌ومی باشند که مورد عنایت خاص خداوند قرار می‌گیرند.

ازدواج و ناعیفی را نگراز جهاتی مختلف بایکدگر
ازدواج آرد نشاط زندگی ناعیفی عامل شرمندگی
ازدواج است علت ابقاء نوع ناعیفی عامل افناء نوع
ازدواج آرد رضای کردگار ناعیفی نار با هجران یار
ازدواج است از نظامات جهان ناعیفانند دور از کاروان
ازدواجت دام الفت گستر است ناعیفی غول غربت پرور است

«از جمله فرقه‌های ازدواج بابی عفتی آن است که با ازدواج، نشاط و زوج در زندگی، با کمال آزادی و دور از هر اضطراب و ناآرامی و ذلت، تأمین می‌شود. اما در بی عفتی، شخص ناعیف از یک طرف در پیش وجدان و عاطفه خود و از طرف دیگر در بین افراد جامعه اسلامی شرمسار است. و در آخرت نیز در آتش عذاب الهی خواهد سوخت.»

رابطه جهان بینی با پاکدامنی

اگر جهان بینی انسان بر مبنای خدا باوری و اعتقاد به جهان آخرت و اطاعت از دستورات خدا باشد پاکدامن زندگی خواهد کرد و جز در موارد نادر دچار آلودگی نمی شود. چه در سنین **نوجوانی** و تحت نظر خانواده های متدین و معتقد و فرزند خود را چون نهالی مواظبت می کنند و حرکات او را زیر نظر دارند تا دچار انحراف نشود و چه در سنین **جوانی** که شخص مقید به دستورات دینی است و اگر یک دفعه یا دو دفعه دچار آلودگی شود همان نماز و اهمیت دادن به مقدسات دینی او را نجات می دهد و مانع از فرو رفتن در باتلاق خطرناک فساد اخلاق می شود. گویند به رسول خدا (ص) گفتند جوانی چشم چران در نماز جماعت شرکت می کند. با او چه بکنیم؟ فرمود او را رها کنید که همین نماز او را توبه می دهد. و همین گونه شد و جوان چشم چران توبه کرد.

اما اگر جهان بینی مبنی بر اباحی گری «لیبرالیسم» و لذت محوری «هدونیسم» باشد دیگر اثری از پاکدامنی باقی نمی ماند.

از همان نوجوانی اگر در خانواده‌ای دارای عقاید مذکور تربیت شده باشد دیگر روی پاکدامنی را نخواهد دید. به آمار زیر از آمریکا توجه فرمائید:

شهوت پرستی در روایات اسلامی

این مساله در منابع روایی اسلام، مورد توجه فراوان قرار گرفته است که بیشتر آنها بیانگر هشدار، درباره پیامدهای خطرناک آن است. این احادیث تکان دهنده، هر خواننده‌ای را تحت تاثیر عمیق قرار داده و روشن می‌سازد که آلودگی به «شهوت» -خواه به مفهوم عام و خواه به مفهوم خاص آن- از موانع اصلی سعادت و کمال انسان‌ها و از اسباب مهم گسترش گناه و جنایت در جامعه بشری است که در ذیل، به بعضی از آن احادیث اشاره می‌شود:

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «ما تحت ظل السماء من اله یعید من دون الله اعظم عند الله من هوی متبع، در زیر آسمان معبودی جز خدا پرستیده نشده است که در پیشگاه خدا، بدتر از هوا و هوسی باشد که انسان را به دنبال خود می‌کشاند.» (۱۸)

به این ترتیب، روشن می‌شود که «شهوة» و هوای نفس از خطرناکترین عوامل انحراف انسان به سوی زشتی‌هاست.

۲- امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می‌فرماید: «الشهوات سموم قاتلات، شهواتها، زهرهای کشنده است»^(۱۹) (که شخصیت و ایمان و مروت و اعتبار انسان را نابود می‌سازد).

۳- در حدیث دیگری از همان امام بزرگوار علیه السلام آمده است: «الشهوات مصائد الشیطان، شهوات دام‌های شیطان است.»^(۲۰) (که انسان‌ها را به وسیله آن در هر سن و سال و در هر زمان و مکان صید می‌کند).

۴- همان حضرت علیه السلام در جای دیگر می‌فرماید: «امنع نفسك من الشهوات تسلّم من الآفات، اگر می‌خواهید از آفات در امان باشید، خویشتن را از تسلیم شدن در برابر شهوات بازدارید.»^(۲۱)

۵- در حدیث دیگری نیز از همان پیشوای پرهیزکاران جهان آمده است: «ترك الشهوات افضل عبادة و اجمل عادة، ترک شهوات‌ها، برترین عبادت و زیباترین عادت است.»^(۲۲)

۶- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من ملک نفسه اذا غضب و اذا رغب و اذا رهب و اذا اشتهى، حرم الله جسده على النار، کسی که به هنگام غضب و تمایل و ترس و شهوت، ملک نفس خویش باشد، خداوند جسد او را بر آتش دوزخ حرام می‌کند.» (۲۳)

۷- امیر مؤمنان علی علیه السلام در حدیث دیگری می‌فرماید: «ضادوا الشهوة مضادة الضد ضده و حاربوها محاربة العدو العدو، با خواهش‌های نفسانی در تضاد باشید، همچون تضاد دو ضد با یکدیگر و با آن به پیکار برخیزید (مانند) پیکار دشمن با دشمن.» (۲۴)

این سخن با صراحت، این حقیقت را بازگو می‌کند که «شهوت پرستی» درست مقابل «سعادت» و خوشبختی انسان قرار گرفته است.

پیامدهای شهوت پرستی در کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام

درباره پیامدهای شهوت پرستی و پیروی از هوای نفس، تعبیرات دقیق، حساب شده و تکان دهنده‌ای در احادیث اسلامی دیده می‌شود

که در این بحث تنها به کلام پیشوای متقیان حضرت علی علیه السلام اشاره می شود:

۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند: «اهجروا الشهوات فانها تقودکم الی رکوب الذنوب و التهجم علی السیئات، از شهوات سرکش بپرهیزید که شما را به ارتکاب انواع گناهان و هجوم بر معاصی می کشاند.» (۲۵)

۲- این مساله گاهی به قدری شدید می شود که به کلی دین انسان را بر باد می دهد، چنان که در حدیث دیگری می فرمایند: «طاعة الشهوة تفسد الدین، فرمانبرداری از شهوات نفسانی، دین انسان را فاسد می کند.» (۲۶)

۳- آن حضرت در تعبیر دیگری می فرمایند: «طاعة الهوى تفسد العقل، هوا پرستی عقل انسان را فاسد می کند.» (۲۷)

۴- در جای دیگر می فرمایند: «الجاهل عبد شهوته، انسان نادان بنده شهوت خویش است» (۲۸)، یعنی، انسان جاهل مثل برده خوار و ذلیلی است که در برابر شهوت خویش، هیچ اختیاری از خود ندارد.

۵- در تعبیر دیگر می‌فرمایند: «عبد الشهوة اسير لا ينفك اسره، برده شهوت چنان اسیر است که هرگز روی آزادی را نخواهد دید.»^(۲۹)

۶- آن حضرت علیه السلام در این که سرانجام «شهوت پرستی»، رسوایی است، می‌فرمایند: «حلاوة الشهوة ينغصها عار الفضيحة، شیرینی شهوت را ننگ رسوایی از میان می‌برد.»^(۳۰)

۷- در تعبیر دیگری، شهوت پرستی را کلید انواع شرها می‌دانند: «سبب الشر غلبة الشهوة»^(۳۱) سبب شر، غلبه شهوت است.

با توجه به این که «الشر» با الف و لام جنس و به صورت مطلق ذکر شده است، معنای عموم را می‌رساند که این امر بیانگر آن است که «شهوت پرستی»، سرچشمه تمام شرها و بدبختی‌هاست.

۸- در جای دیگر ضمن اشاره به این نکته که غلبه هوا و هوس، سبب بسته شدن راه‌های سعادت بشری شده و او را در گمراهی نگاه می‌دارد، می‌فرمایند: «كيف يستطيع الهدى من يغلبها الهوى، چگونه می‌تواند انسان به هدایت برسد، در حالی که هوای نفس بر او غالب گردیده است.»^(۳۲)

۹- آن حضرت در سخن دیگری، غلبه شهوات را باعث تضعیف شخصیت انسان می‌دانند: «من زادت شهوته قلت مروته، کسی که شهوات او فرونی یابد، شخصیت انسانی او کم می‌شود.» (۳۳)

۱۰- در بیان دیگری به این حقیقت اشاره می‌کند که راه بهشت، راه «شهوت پرستان»

نیست: «من اشتاق الى الجنة سلا عن الشهوات، کسی که مشتاق بهشت باشد باید شهوت پرستی را فراموش کند» (۳۴)

۱۱- در جای دیگر این نکته را گوشزد می‌کند که حکمت و آگاهی با شهوت پرستی سازگار نیست: «لا تسكن الحكمة قلبا مع شهوة، حکمت و دانش در قلبی که جای شهوت پرستی است، ساکن نمی‌شود.» (۳۵)

۱۸- الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۶۱ به نقل از میزان الحکمة، ج ۴، ص ۳۴۷۸، شماره ۲۱۴۰۰ - ۱۹ - غرر الحکم، حدیث ۸۷۶.

۲۰- غرر الحکم، حدیث ۲۱۲۱ - ۲۱ - غرر الحکم، حدیث ۲۴۴۰ - ۲۲ - همان، حدیث ۴۵۲۷ - ۲۳ - بحار الانوار، ج

۷۵، ص ۲۴۳-۲۴- شرح غرر الحکم، حدیث ۵۹۳۴-۲۵- غرر
 الحکم، حدیث ۲۵۰۵-۲۶- شرح غرر الحکم، حدیث ۵۹۸۵-
 ۲۷- همان، حدیث ۵۹۸۳-۲۸- غرر الحکم، حدیث ۴۴۹-۲۹-
 غرر الحکم، حدیث ۶۳۰۰-۳۰- غرر الحکم، حدیث ۴۸۸۵-
 ۳۱- شرح غرر الحکم، حدیث ۵۵۳۳-۳۲- همان، حدیث
 ۷۰۰۱، ص ۵۶۶ غرر الحکم-۳۳- همان، حدیث ۸۰۲۲.
 ۳۴- همان، حدیث ۸۵۹۱-۳۵- همان، حدیث ۱۰۹۱۵.

زنان در فرهنگ غرب

در زمان حاضر وقتی به جوامع غربی نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که چقدر فرق و اختلاف بین فرهنگ اسلام و فرهنگ غرب وجود دارد.

در غرب در اکثر موارد تنها ارزش یک زن به این است که وسیله شهوترانی مردان باشد. اگر زن زیبا باشد و در کوچه و خیابان و هر مکان و جایی باعث لذت گردد، ارزشمند است و بهای مادی زیادی دارد. او می‌تواند خود را یک شخصیت با ارزش بداند و ببیند که چگونه نگاهها و چشم‌هایسوی او جلب

شده و همه برای بدست آوردن او سرو دست می‌شکنند. اما با درک عمیق، این زن متوجه می‌شود که مردم هیچگاه او را بخاطر انسان بودن و یا داشتن فضائل اخلاقی و یا علم و دانش، ارزشمند نمی‌دانند. بلکه تازمانیکه باعث لذت دیگران است، ارزشمند می‌باشد.

«نظرات اساسی و اصولی که بنیان اجتماعی تمدن جدید اروپائی را تشکیل می‌دهند، تحت سه عنوان مطالعه می‌کنیم:

۱- مساوات بین زن و مرد

۲- آزادی زنان در امور زندگی

۳- اختلاط و آمیزش مطلق بین زن و مرد

نتیجه پایه گذاری اجتماع غرب بر طبق این نظریات سه گانه این شد که: ۱- آنان از معنی مساوات چنین فهمیدند که باید زن و مرد در حقوق بشری و ارزش اخلاقی، مساوی باشند و زن در زندگی اجتماعی همان اعمالی را انجام دهد که مرد انجام می‌دهد و همانطور که در سابق، مردان از قیود اخلاقی، آزاد بودند، زنان نیز از همان بی‌بند و باری برخوردار باشند!

این برداشت غلط از مساوات بود که زن را از ادای وظیفه فطری و طبعیش که بقا و ادامه نسل بشر است نه تنها غافل

بلکه منحرف ساخت و تمام ابعاد وجودی او را، اعمال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بخود مشغول ساخت و شخصیت فطری او را از بین برد. موضوع انتخابات، وظایف رسمی، رقابت با مردان در امور تجارت و صنایع آزاد، شرکت در مسابقات ورزشی، تئاتر، مجالس رقص و لهو و لعب و دیگر اسباب تفریح که دستاوردهای این تمدن ظاهر فریب می باشند و حیا مانع ذکر آنان می گردد، بر احساسات، عواطف و ادراکات او غلبه کرد و او را از وظیفه اصلی و طبعیش بازداشت و او را از انجام برنامه زندگیش که قبول تکالیف زندگی زناشویی و تربیت اطفال، سر و سامان دادن و خدمت به خانواده بود، بطور کلی بازداشت و حتی فراتر از آن، این وظایف را که وظایف اصلی و فطریش بودند در نظرش بد و دگرگون جلوه داد. نتیجه این وضع چنین شد که نظام خانواده که اساس و پایه تمدن شمرده می شد، در تمدن غرب از بین رفت و آن نظام که مایه قدرت علمی، نشاط و آرامش روحی انسان بود، چنان از بین رفت که نام و اثری از آن باقی نماند.

ازدواج که یگانه راه صحیح و سالم تعاون و همکاری زن و مرد در خدمت به اجتماع و تمدن محسوب می‌شد، از تار عنکبوت هم‌سست‌تر و ضعیف‌تر گردید و از طرف دیگر مسئله تنظیم خانواده و جلوگیری از بارداری هم با کشتن فرزندان و سقط جنین شروع شد. تفکر غلط مساوات بین زن و مرد، مساوات اخلاق فاسد و انحرافی را نیز بین آنان ایجاد کرد و زنان به چنان اعمال فاسد و پلیدی دست زدند که مردان قبلاً از ارتکاب آنها خودداری می‌نمودند، ولی زنان و دختران تمدن جدید غرب از انجام آن حیا و شرم نداشتند.

۲- آزادی و استقلال زنان در امور زندگی و مسائل اقتصادی، باعث بی‌نیازی آنان از مردان گردید. قاعده و رسم قدیم این طور بود که مرد در بیرون خانه کار می‌کرد و زن مشغول تدبیر امور منزل می‌گردید، ولی این نظریه در عصر جدید تغییر کرد و زن و مرد هر دو بکار پرداختند و هتلهای شرکتها، جای خانه را گرفتند! بنابر این دیگر رابطه و نیازی بجز ارضای غریزه حیوانی شهوت بین زن و شوهر باقی نمانده بود تا باعث شود آنان زندگی خانوادگی و زناشوئی داشته باشند و کاملاً ظاهر و

آشکار است که فقط ارضای شهوات حیوانی، زن و مرد را مجبور نمی‌سازد که در یک‌خانه زندگی نمایند و زندگی زناشوئی مستمر و همیشگی دارا باشند، زیرا زنی که خودش کار می‌کند و همه کارهای خودش را انجام می‌دهد، در زندگی روزمره‌اش به سرپرست و قیم نیاز ندارد و هیچ وقت حاضر نمی‌شود که فقط بخاطر ارضاء شهوت از مردی فرمان ببرد و با او در زندگی همراه باشد. او بخود می‌گوید برای چه با چنین مردی زندگی کند؟ و چرا خود را بی‌خود و بی‌فایده به تحمّل قیدهای اخلاقی و بارسنگین قانون مجبور سازد؟ و چرا مسئولیت خانواده و منزل بدوش او باشد؟

وقتی مساوات اخلاقی، تمام مشکلات و موانع را برداشته است و راه فسق و فجور را هموار ساخته است، چرا راه کوتاه لذت و سرور و آزادی را رها کند و راه کهنه و قدیمی را که مملوّ از مسئولیتها، مشقات و قربانی‌هاست بپیماید؟ در ضمن، تفکر معصیت و گناه نیز با از بین رفتن دین، در اذهان رنگ باخته است و از طرف اجتماع هیچ خطری احساس نمی‌شود زیرا

بجای اینکه اجتماع، فاجر و فاسق را توییح کند از اوبخاطر
این کارش با آغوش باز استقبال می کند!!

آخرین چیزی که این نوع زنان از آن در هراسند، فرزندى
است که از این طریق بوجود می آید. ولى وسایل و ابزاری که
ابداع شده است، این هراس را از بین برده است. ابتداء از
وسائل ضد بارداری استفاده می شود و اگر مؤثر واقع نشد،
سقط جنین انجام می گردد و اگر این هم ممکن نشد در
نهایت، کشتن آن نوزاد در تاریکی شب و یا انداختن او به آن
طرف دیوار! آخرین راه خواهد بود و اگر عاطفه مادری - چه
عاطفه زشت و پلیدی - او را از این کار باز داشت، برای آن زن
هیچ اشکالی ندارد که مادر یک فرزند غیر قانونی باشد. زیرا
جامعه به علت ارضای شهوانی خود، این احترام را برای آن
مادر باکره و فرزند غیر قانونیش قائل هستند و محیط هم چنان
در دلها اثر کرده که اگر کسی این خانم را سرزنش نمود، او
را عقب مانده و اُمَل و ضد تمدن می دانند.

این وضع باعث شد که بنیان اجتماعی غرب از اساس متزلزل
شود و در هر مملکت غربی، صدها هزار زن و دختر بی شوهر،

بدون حیا و شرم به فحشاء دست بزنند. در این کشورها مفاسدی چون سقط جنین، کشتن فرزندان، کثرت فرزندان نامشروع، گسترش فحشاء، برهنگی و شیوع امراض خطرناک و انواع و اقسام مشکلات اجتماعی بروز نموده است.

۳- فراوانی اختلاط و آمیزش بدون قید و شرط بین زن و مرد، سبب شدت آرایش، نمایش زینتها و بی بند و باری در زنان زیاد شود. زیرا جاذبه جنسی بین زن و مرد دارای قدرت و کشش غیر قابل انکاری است. اختلاط بین این دو و دستیابی آسان به جنس مخالف بدون پذیرش مسئولیتها و مشکلات، این قدرت را شدت بخشیده است.

طبق تفکر اخلاقی حاکم بر اجتماع غرب، تجمل و آرایش زن نه تنها عیب و گناه نیست بلکه خوب و پسندیده بشمار می آید! لذا آرایش در این کشورها در حدّ معینی نماند و تمام حدود و مرزها را زیر پا گذاشت و به آخرین حدّ لجام گسیختگی و بی بند و باری رسید، تا اینکه حالت و وضع موجود تمدن غرب بوجود آمد! هم اکنون در غریزه تجمل و آرایش آنچنان افراط شده است که دیگر زنان به لباسهای

چسبان و جذاب و وسایل زینت و آرایش، زیور آلات، عطر و پودر و استعمال رنگهای مختلف قناعت نکرده و پا را فراتر از آن گذاشته و می‌خواهند که جسمشان را کاملاً برهنه و بدون هیچ پوشش و لباس به دیگران نشان دهند و این وضع زنان در غرب است.

مردان در مقابل این برهنگی و آرایش و تجمل زنان، شوق و علاقه تازه‌ای در خود احساس می‌کنند و شهوت و غریزه حیوانی آنان با دیدن این مناظر تحریک آمیز، جدیدتر و قوی‌تر می‌باشند. آنان مانند شخص مسمومی می‌باشند که هر لحظه عطش و تشنگی‌شان رو به افزایش است و هر اندازه آب می‌خورند بیشتر تشنه می‌شوند! بنابر این آنان همیشه در فکر اسباب و لوازم جدیدی هستند که آتش شهوت و تمایلات حیوانی را خاموش سازند ولی هیچوقت به آرامش و آسودگی دست نمی‌یابند.

این همه عکسها و فیلمهای لخت و برهنه، ادبیات بی عفت، داستانهای فتنه انگیز عشقی، رقاص خانه‌ها، نمایش‌های سرشار از احساسات و فیلمهای بی‌بند و بار، نمونه‌ای بارز از سعی و

کوشش آنها برای خاموش ساختن آتش شهوت است ولی در حقیقت این ابزار و محیط و زندگی اجتماعی، آتش این غریزه را شعله‌ورتر و تیزتر می‌کند. این مرض کشنده (غلبه شهوات) در بنیان اجتماع غرب رخنه کرده است و با سرعت هرچه بیشتر، حیات و زندگی اجتماعی آنها را به هلاکت و نابودی تهدید می‌کند.

تاریخ گواهی می‌دهد که این مرض در هر جامعه‌ای که سرایت کرده و درینشان انتشار یافته، آن جامعه به هلاکت رسیده است، زیرا این مرض تمام قوای عقلی و جسمی را از بین برده و مانع پیشرفت و ترقی انسان می‌گردد. او به آرامش روحی و فکری که تنها راه دستیابی به اعمال نیک است، دست نمی‌یابد و تا وقتی که محیط را شهوت و غرایز حیوانی احاطه کرده باشد و در هر طرف وسایل تحریک و فریفتگی باشد و در اثر عکسهای برهنه، موسیقی‌های مهیج، فیلمهای فاسد، رقصهای فریبنده، مناظر جذاب و آرایشهای دلفریب، اختلاط و آمیزش بدون قید و شرط بین دو جنس مخالف موجود باشد، خود آنان و نسلهای آینده نمی‌توانند به

فضایی آرام، متعادل و سالم که برای تربیت قوای عقلی و فکری ضروریست، دست یابند. آن نوجوانان هنوز به کمال بلوغ نرسیده‌اند که غول شهوت و دیو سیاه غریزه جنسی بر آنها غلبه کرده و آنان را مانند برده و غلام، تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و آنان ناخودآگاه به پای غول می‌افتند و هرگز قدرت رهایی از چنگال او را نمی‌یابند.»

«در امریکا، کودکان زودتر از معمول، بالغ می‌شوند و از سنین خردسالی، احساس و هیجان جنسی در ایشان زنده می‌شود.

هیچ جای تعجب نیست که در بین طبقات مختلف حتی طبقات پولدار و باسواد، دخترانی پیدا می‌شوند که در سالهای هفت و هشت سالگی با کودکان هم سن و سال خود رابطه جنسی برقرار کرده و احتمالاً به فحشاء مبتلا می‌گردند.

به عنوان مثال دختر هفت ساله‌ای از یک خانواده آبرومند! با برادر و گروهی از دوستان برادرش، مرتکب فحشاء شده بودند. پنج نفر دیگر شامل دو دختر و سه پسر، گروه فحشاء را تشکیل داده و کودکان دیگر را به این کار وادار می‌کردند در حالی که بزرگترین آنها ده ساله بود. دختر دیگری که نه سال

داشت، خود را بسیار خوشبخت می‌دانست زیرا در این سن و سال، معشوقهٔ چندین نفر شده بود!

یکی از مجلات آمریکائی نوشته است:

سه عامل شیطانی وجود دارد که دنیای امروز ما را فرا گرفته و در افروختن آتش برای ساکنین زمین مؤثرند.

عامل اول ادبیات بی آبرو و دور از عفت است که بعد از جنگ جهانی باتمام وقاحت و بی‌عفتی و بی‌آبرویی بشکل عجیب و غریبی ترویج شد و دنیا را فرا گرفت!

عامل دوم فیلمهای سینمایی است که نه تنها غریزهٔ شهوانی حیوانی را تحریک می‌کند بلکه در این خصوص، دروس علمی و عملی را برایشان تلقین می‌نماید.

عامل سوم پایین آمدن سطح اخلاق زنان است که در لباس، برهنگی، اعتیاد و اختلاط بدون قید و شرطشان با مردان بصورت آشکاری بچشم می‌خورد. این مفاسد سه گانه بمرور زمان رو به ازدیاد است و آخرین نتیجهٔ آن زوال تمدن و از بین رفتن مسیحیت است که اگر ما امروز از طغیان آنها جلوگیری نکنیم، بطور حتم تاریخ رومیها و کسانی که به پیروی از

شهوت و غریزه جنسی رهسپار عدم گردیدند برای ما هم تکرار می شود زیرا آنها هم مانند ما در شراب، زن، رقص و موسیقی و لهو و لعب غرق شده بودند.

در این جامعه دیگر زن با عفت دارای احترام نیست! اصلاً عفت و تهذیب و حجاب و از روابط نامشروع دوری نمودن و قانع بودن به همسر خود، نشانه بی تمدنی، اوبی فرهنگی و عدم پیشرفت به حساب می آید!

در غرب، ادبیاتی دارای مرتبه و منزلت است که بتواند با جاذبه های جنسی بکار گرفته شده در فیلمهای سینمایی، تئاترها و موسیقی ها و داستانهای فاسد، زن را عریان تر و برهنه تر معرفی بکند و بدین وسیله مشتریهای بیشتری جذب کرده و مثلاً نوشته شود که فلان فیلم اینقدر فروش داشت و یا فلان کتاب با این تیراژ فروش رفت.

نتیجه تسلط شهوات بر همه امور ملتهای غربی و حضور بی قید و شرط زن برهنه و عریان در همه جا، پیدا شدن آثار مخربی است که نصیب این ملتها شده است.

فساد نظام خانوادگی، افزایش آمار طلاق (یکی از دانشمندان فرانسه که چندبار هم به وزارت رسیده بود، زنش را پنج ساعت بعد از ازدواج، طلاق داد!)، تعداد کم ازدواج (در فرانسه از هر هزار نفر، هفت یا هشت نفر ازدواج می کنند) کثرت فرزندان نامشروع (در انگلستان از هر سه کودک یک نفر نامشروع است)، کشتن فرزندان نامشروع با فراغت بال (درفرانسه، دادگاه زنی را که طفلش را خفه کرده بود و چون طفل هنوز نفس می کشید سر او را بدیوار کوبیده بود و کشته بود، مجرم ندانست! همچنین رقاصه ای که می خواست زبان کودکش را از حلقش درآورد! لذا سر طفلش را زخمی کرده و شاهرگش را قطع نموده و او را کشته بود، مجرم شناخته نشد!).

افزایش بیماران روانی (در امریکا از هر سه نفر یک نفر مشکل روانی دارد)، کثرت تجاوزات و جنایات و از بین رفتن اخلاق سالم در جامعه و بی اعتمادی به هم و مردن فضیلت های اخلاقی در بین اقشار مختلف مردم، از بین رفتن عاطفه و محبت،

شورش و طغیان مردم، احساس پوچی در بین اکثر جوانان و... همه از معضلات جوامع غربی می باشند.»

مؤلف کتب تاریخ فحشاء، آقای «جورج رابلی اسکات» انگلیسی می نویسد:

مرتکب شدن به فسق و فجور و ولگردی در خیابانها و عدم عفت برای دوشیزه امروزی از جمله وسایل زندگی تجملی بشمار می رود. استعمال مواد مخدر، و شرابه‌های ترش مزه، رنگ کردن ناخن و لبها به رنگ سرخ، مهارت داشتن در مورد مسائل جنسی و تدابیر ضد بارداری و سخن از فحشاء نیز از جمله ضروریات امروزی شدن و پیشرفت زندگی تجملی محسوب می شود. تا الان هم تعداد زنانی که پیش از ازدواج، روابط جنسی دارند رو به ازدیاد و افزایش است و آن را هیچ عیب و گناهی نمی دانند و وجود دختران باکره در هنگام عقد ازدواج در کلیسا بسیار نادر و کمیاب است.

بزرگترین عامل این بی بند وباری در مسائل جنسی، اشتغال زنان به کارهای تجاری و اداری و کارهای مختلف دیگر است که بهترین وسیله و فرصت برای اختلاط

مردان و زنان است. و باعث شده که قوه دفاعی زن در مقابل تجاوز مرد، کم و نابود شده و روابط شهوانی بین زن و مرد از هر قید اخلاقی آزاد گردد. در این حال لذت زندگی در نزد دوشیزگان این است که مرد جام لذت و تمتع را به وی تقدیم کند و لذا بدنبال این لذتهابه رقاص خانه‌ها، کلوپهای شبانه، هتلها و قهوه‌خانه‌ها سر می‌زند تا بتواند مرد بیگانه‌ای را که صاحب ماشین و ثروت است، شکار کند! به این ترتیب او خود را با رضا و رغبت فراوان در محیط و اوضاعی می‌اندازد که تمایلات جنسی را مشتعل تر می‌کند و نه تنها از عواقب آن ترسی ندارد بلکه آن را با شادی و آغوش باز استقبال می‌کند».

این است وضع زنان در غرب که دیگر آثاری از فضیلت‌های اخلاقی و عفت و حیا و شرم و حجاب در زنان (مگر در افراد کمی) دیده نمی‌شود و همه در این مسابقه خطرناک برهنگی و بی‌حیائی شرکت کرده‌اند و عاقبت به عواقب خطرناک و نابود کننده آن دچار می‌شوند.

دنیای فرنگ ابتدا در این حد می‌گفت که زنا در غیر مورد مرد زن دار و زن شوهر دار جرم نیست، راسل می‌گوید مگر اینکه يك جراحتی وارد کند، اگر جراحتی وارد نکند عیب و اشکالی ندارد. کم کم به اینجا رسیدند که برتراند راسل صریحا می‌گوید برای زن شوهر دار و مرد زن دار هم هیچ مانعی نیست، چه اشکالی دارد که يك زن شوهر دار هم رفیق داشته باشد و عشقش در جایی باشد، هم همسر داشته باشد و هم معشوق؟ عشقش را با او انجام دهد و بچه را در خانه این بیاورد، ولی تعهد بسپارد وقتی با معشوقش عشقبازی می‌کند از وسایل جلوگیری از بچه‌دار شدن استفاده کند.

مگر خود راسل این حرف را باور کند! او الا هیچ آدم عاقلی باور نمی‌کند که زنی مردی را دوست داشته باشد، عشقش با يك مرد باشد ولی همسر يك شوهر باشد و فقط متعهد شده باشد که برای شوهر خود بچه بیاورد. هر زنی دلش می‌خواهد که بچه‌ای که می‌زاید و بچه‌ای که جلوی چشمش است یادگار آن آدمی باشد که او را دوست دارد، نه یادگار آدمی که از او تنفر دارد. آنوقت چه تضمینی هست که از مردی که او را دوست دارد آبتن نشود و بچه‌به ریش شوهرش نبندد؟!

ایدز!

«نیوت گنگریچ، رئیس اسبق مجلس نمایندگان

امریکا:

ایالات متحده باید جهان را رهبری کند... اما با
کشوری که در آن دوازده ساله‌ها باردار
می‌شوند، پانزده ساله‌ها هم‌دیگر رامی‌کشند، هفده
ساله‌ها به ایدز مبتلا می‌شوند و هجده ساله‌ها دیپلم
می‌گیرند بدون اینکه بتوانند بخوانند و
بنویسند، هیچ‌کس را نمی‌شود رهبری کرد!»

«هرساله ۳۵۰ هزار دختر نوجوان امریکایی در سنین
بین پانزده تا نوزده سال دوره دبیرستان به سبب ارتباط‌های
نامشروع فرزندان غیرقانونی به دنیا می‌آورند و این آمار در
دهه‌های اخیر سال به سال در حال افزایش است.»

جان نکد، نویسنده و تحلیل‌گر غربی:

«انتشار ایدز در ایالات متحده و اروپا و سایر نقاط
جهان خطر جدی در روابط این جوامع بوجود آورده
است. هزاران نفر و از جمله شخصیت‌های معروفی نظیر «روک

هادسون» هنرپیشه آمریکایی به این بیماری دچار شده‌اند. اکنون شانزده میلیون نفر در سنین مختلف در کشورهای اروپایی و آمریکا حامل ویروس ایدز هستند... هراس از مواجهه با این هیولای خزنده به استودیوهای هالیوود نیز کشانده شده‌است. آن‌جا که پس از ابتلای برخی هنرمندان نامی، تمامی هنرپیشه‌های زن و مرد ملزم به ارائه گواهی نامهٔ عدم ابتلا به ویروس ایدز هستند!

«در فاصله سال ۱۹۸۵ تا کنون ایدز قربانیان زیادی از هالیوود گرفته‌است.

جون کالینز، بازیگر سینما گفته است که: ایدز مکافات گناهان هالیوود است.

مرگ هادسن در اکتبر ۱۹۸۵ همچون زلزله موجی از وحشت و حیرت در قشرهای لوکس هالیوود برانگیخت. اد آلستر رئیس اتحادیه بازیگران سینما، که شصت هزار بازیگر را زیر پوشش خود دارد، پیشنهاد کرد که در گام اول صحنه‌های بوسه از کلیه فیلم‌ها حذف شود!...

در سال ۱۹۹۱ فقط آمار رسمی حاکی از ۶۷ مرگ در هالیوود بر اثر ابتلای به ایدز بوده است.»

سقط جنین

«سالانه بیش از چهارصد هزار مورد سقط جنین در زنان زیر بیست سال رخ می دهد که اکثراً در دختران ازدواج نکرده امریکایی است و ۷۰٪ این دختران حملات جنسی افراد و گروه های مستهجن و هرزه را تجربه می کنند!»

«بر اساس آمار ارائه شده در ایالات متحده امریکا یک میلیون نوجوان در دوران بلوغ از منزل فرار می کنند که ۲/۳ فرار افراد مؤنث ناشی از آزارهای جنسی در محیط خانواده می باشد.»

«در شهر نیویورک فردی که یک کلینیک روان شناسی خصوصی تأسیس کرده بود و در آن یکصد کودک را تحت نظارت و مراقبت داشت پس از آنکه متهم شد که تمامی یکصد کودک را مورد تجاوز قرار داده است به اسرائیل گریخت که متأسفانه یک سوم این کودکان آلوده به ایدز شدند...!»

خودکشی!

«بر اساس گزارش‌های منتشره در ایالات متحده آمریکا در هر شش ساعت یک نفر زیر نوزده سال به وسیله سلاح گرم دست به خودکشی می‌زند. در سال ۱۴۴۷، ۱۹۹۰ نفر بین سنین ده الی نوزده سال به وسیله سلاح گرم خودکشی کرده‌اند.»

«بر اساس آمار موجود، خودکشی دومین علت مرگ و میر در بین جوانان ۱۵-۲۴ ساله در ایالات متحده می‌باشد.»

دکتر ردفیلد جیمسون استاد روان پزشکی دانشگاه «جائزهایپکینز» در همین باره گفت: سالانه حدود سی هزار آمریکایی خودکشی و ۷۵۰ هزار نفر دیگر هم اقدام به خودکشی می‌کنند ولی نمی‌میرند. از هر پنج نوجوان آمریکایی طی یک سال گذشته یک نفر خودکشی کرده یا جدأقصد آن را داشته است.»

«آمار تکان دهنده موجود حاکی از آن است که در این کشور بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ میزان خودکشی در میان گروه سنی

۱۵- ۲۰ ساله ۵۰٪ افزایش یافته است.»

افسردگی

مجله اکونومیست در شماره اول ژانویه ۱۹۹۹ خود، با چاپ گزارشی در باره پدیده افسردگی و علل و آثار آن در ایالات متحده آمریکا نوشت:

به عقیده روان شناسان، افسردگی بیماری ناشی از مدرنیسم و فشارهای جانبی آن است و جوانان به ویژه در آمریکا که سرعت نوآوری در آن جا بیش از سایر نقاط جهان است در سنین پایین تر در دام این بیماری گرفتار می آیند.

در سال ۲۰۲ افسردگی پس از بیماری های قلبی، گسترده ترین بیماری دامن گیر بشر خواهد بود. به نوشته این مجله:

دکتر ارنست برنت و همکارانش از انستیتو تکنولوژی ماساچوست آمریکا برآورد کرده اند که هزینه های مربوط به بیماری افسردگی در آمریکا سالانه بالغ بر ۴۴ میلیارد دلار یعنی تقریباً برابر هزینه های بیماری های عروقی است و این بدان معنا

است که هر آمریکایی سالانه ۶ هزار دلار بابت بیماری
افسردگی پرداخت می کند.

این مجله می افزاید:

هزینه های مربوط به درمان بیماری افسردگی به ۱۲
میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار بالغ می شود و خودکشی مبتلایان به
افسردگی ۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار به این رقم می افزاید که
خسارت ناشی از دست رفتن نیروی انسانی در آن به حساب
نیامده است.

اکنون می نویسد:

در این میان، بازار داروهای ضد افسردگی بسیار گرم
است. طبق برآورد انستیتو تکنولوژی ماساچوست ارزش بازار
جهانی این داروها بالغ بر ۷ میلیارد دلار است که انتظار می رود
در پنج سال آینده ۵۰٪ رشد داشته باشد!

مشهورترین داروی درمان بیماری افسردگی که
امروزه به ویژه در آمریکا رواج دارد «پروژاک» است که
شرکت سازنده آن «الی لیلی» سالانه ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار
به جیب سهامداران خود سرازیر می کند.

در مجله دانستنی ها، ۶۲/۷/۵ آمده است که:

آمریکایی ها هر شب بالغ بر سی میلیون قرص خواب آور مصرف می کنند، که اگر طی یک سال این تعداد قرص را روی هم انباشته کنیم حدود ۶۰۰۰۰۰ کیلو گرم وزن خواهد داشت.

و این ۶۰۰ تن قرص برای به خواب بردن تمام مردم جهان به مدت هشت شبانه روز کافی می باشد!

«الوین تافلر، نویسنده و نظریه رداژ معروف امریکایی:

در سراسر کشورهای مرفه فریاد عجز و لابه های آشنا به گوش می رسد. میزان خودکشی نوجوانان رو به افزایش است. الکلیسم بیداد می کند. افسردگی روانی همه گیر شده است، بربریت و جنایت مُد روز گردیده است!

در ایالات متحده اتاق های اورژانس بیمارستان ها مملوّ از معتادان به ماری جُوانا و دیوانه های سرعت و دسته های

اراذل و اوباش و معتادان به کوکائین و هرویین و بالاخره افرادی که گرفتار بحران شدید عصبی شده‌اند.

مددکاری اجتماعی و بهداشت روانی در همه جا به سرعت رو به گسترش گذاشته است، در واشنگتن یک کمیسیون بهداشت روانی وابسته به دفتر ریاست جمهوری اعلام می‌دارد که به طور کامل شهروندان ایالات متحده از نوعی فشار عصبی رنج می‌برند. و روان‌شناسی از مؤسسه ملی بهداشت روانی ادعا می‌کند که تقریباً هیچ خانواده‌ای بدون نوعی ناهنجاری روانی وجود ندارد و اعلام می‌کند روان‌پریشی، جامعه آمریکا را که آشفته و پریشان و متفرق و نگران آینده است، فرا گرفته است!»

تافلر می‌افزاید: زندگی روزمره واقعاً به طرز افتضاح آمیزی کیفیت خود را از دست داده است و اعصاب همه خورد و داغان است، دست به یقه شدن و تیراندازی در مترو یا صف‌های بنزین نشانگر این واقعیت است که کنترل اعصاب از دست افراد خارج شده است، میلیون‌ها نفر از مردم به آخرین حد از ظرفیتشان رسیده‌اند.

خشونت

«در شیکاگو مسن ترها بعد از تاریک شدن هوا از قدم زدن در خیابان‌ها وحشت دارند. در مدارس و ایستگاه‌های قطار زیرزمینی نیویورک خشونت غوغا می‌کند.

در کالیفرنیا مجله‌ای برای خوانندگان خود به اصطلاح دفترچه راهنمای عملی در مورد استفاده از سلاح‌های دستی و دوره‌های تیراندازی و سگ‌های محافظ تعلیم دیده، دزدگیر و ابزار ایمنی برای استفاده شخصی دوره‌های دفاع از خود و نظام‌های ایمنی کامپیوتری ارائه می‌کند.

«در سه دهه گذشته هشتاد میلیون نفر به جمعیت آمریکا اضافه شده است که ۲۰٪ این عده را مهاجرین جدید از آسیا و آمریکای لاتین و آفریقا تشکیل می‌دهند:

در این مدت، در بین جمعیت قریب به سیصد میلیونی آمریکا، جنایت چهار برابر شده است، خشونت بین طبقات مختلف و افراد ده برابر بالا رفته است و نسبت طلاق در خانواده‌ها از ۳۰٪ به ۷۰٪ افزایش یافته و تعداد کودکان نامشروع دوازده برابر شده است.

تجارت مواد مخدر در بین جوانان آمریکایی مرسوم شده است. و امنیت داخلی در آمریکا حتی در مدارس ابتدایی و متوسطه به وضع بحرانی رسیده است.

عده زندانیان در این سه دهه از یکصد هزار نفر به بیش از یک میلیون نفر تجاوز کرده است و در یک آمار جدید ۷۰٪ از مردان آمریکایی اظهار کرده اند که به همسران خود وفادار نبوده اند.

امروزه بیش از هر موقع دیگر افکار عمومی آمریکا حاضر است از تخلفات اخلاقی و قانونی رهبران سیاسی خود گذشت کند، زیرا حرمت چنین اعمالی در جامعه آمریکا از بین رفته است.

چند سال قبل شهردار واشنگتن به علت تخلفات قانونی و استعمال و خرید و فروش مواد مخدر به زندان محکوم شده بود، مجدداً در انتخابات به همین سمت انتخاب گردید!

سستی و از بین رفتن حرمت والدین

بنجامین اسپاک، پزشک آمریکایی:

«میزان قتل و تجاوز و بهره کشی جنسی و بهره کشی از فرزندان و همسران به طور تکان دهنده‌ای بالاست.» «بیشتر سالخوردگان - مگر این که ثروتمند باشند - آرزو دارند که فقط تحمل شوند.» «دیگر پدر در بسیاری از خانواده‌ها چهره با ابهتی ندارد... و در برنامه‌های تلویزیونی

اغلب اوقات پدر به عنوان دلچسب تصویر می‌شود، مادران هر چه کمتر و کمتر در مقام تربیت کنندگان قابل اتکا و قابل احترام دیده می‌شوند.» «هر بچه‌ای به طور متوسط تا قبل از پایان دوره ابتدایی تصویر «رسانه‌ای» حدود هشت هزار قتل را تماشا کرده است.»

جوز لانز، از اساتید دانشگاه بوستون آمریکا:
«یک نوجوان شانزده ساله آمریکایی در دوران کودکی و نوجوانی اش تا سن (۱۶ سالگی) شاهد هجده هزار مورد قتل و هشت هزار مورد تجاوز جنسی از تلویزیون می‌باشد.»

جوئیس برایس، نویسنده و روزنامه نگار:

«با کاهش تعداد خانواده هایی که از پدر و مادر برخوردارند جامعه ایالات متحده روندی رو به زوال را آغاز نموده است.»

واشنگتن تایمز:

«در آمریکا فرزندان طلاق و تک والدینی و بی سرپرست در محیط خانه خود هیچ گونه آموزش اخلاقی نمی بینند. استثنا هم وجود دارد و بعضی مادران کار خود را به نحو احسن انجام می دهند. اما بسیاری از آنها درگیر استفاده از مواد مخدر هستند و از نظر موقعیت مالی تنها نیم قدم با بی خانمانی فاصله دارند. بنابراین همه چیز به هم ریخته است، بچه ها خشونت و اثرات منفی را مدل خود قرار می دهند.»

«دکتر آنتوانت ساندرز درباره وضع کودکان امریکا

می نویسد:

در امریکا در سال ۱۹۹۰ بیش از یک چهارم کودکان زیر هیجده سال یا فقط با یکی از والدین خود و یا بدون هیچ یک بسر می بردند.»

«براساس آمار معتبر: در امریکا سالانه بیش از یک میلیون نوجوان از خانواده‌های خود فرار می‌کنند که نیمی از آن‌ها دختران نوجوانی هستند که به علت سن پایین نمی‌توانند شغلی داشته باشند لذا ب...به دزدی و مبادله مواد مخدر و فحشا روی می‌آورند.»

«کشیش یرس ریتز می‌گوید: در امریکا بالغ بر پانصد هزار نوجوان زیر هفده سال اختصاصاً به کار فحشا اشتغال دارند.»

«جوئیس برایس نویسنده و تحلیلگر روزنامه واشنگتن تایمز با ارائه گزارش ویژه‌ای در زمینه شکست خانواده در امریکا می‌نویسد:

با کاهش تعداد خانواده‌هایی که از پدر و مادر برخوردارند جامعه ایالات متحده روندی رو به زوال را آغاز کرده است.»

مواد مخدر و کودکان

رودی تاکاشینی، مدیر شورای نوجوانان بنیاد کارانگی:

«ناهنجاری نسل جوان این کشور تهدیدی نسبت به ثبات و سلامت اجتماعی جامعه آمریکا در قرن ۲۱ است.» در هیچ دوره‌ای از تاریخ اجتماعی ملت آمریکا، مقطع سنی ده تا چهارده ساله با این طیف وسیع از خطرات مواجه نبوده است. یک سوم کودکان سیزده ساله آمریکایی معترفند که حداقل یک بار از مواد مخدر استفاده کرده‌اند. میزان خودکشی در بین کودکان ده تا چهارده ساله آمریکایی در سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۱ شمی به دو برابر رسیده است و خشونت و بزهکاری در بین آنها از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۱ دو برابر شده است. هر هر کودک ده تا چهارده ساله آمریکایی یکی از آنان در خانواده تک والدینی بزرگ می‌شوند. مصرف سیگار در بین کلاس هشتمی‌ها از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ تا ۳۰٪ افزایش یافته و به ۱۸/۶٪ رسیده است.» ماهنامه صبح ۷۴/۷/۲۵

کشیش یرس ریت:

در آمریکا بالغ بر پانصد هزار نوجوان زیر هفده سال اختصاصاً به کار فحشا اشتغال دارند.»

نوجوانان مجرم!

دانشگاه نورپسترن :

«تعداد جوانان هفده ساله آمریکایی که مرتکب قتل شده‌اند طی سالیان ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۱ (۱۲۱٪) افزایش یافته است. شمار قاتلان شانزده ساله آمریکایی هم در طی همین زمان به میزان ۱۵۸٪ رشد یافته است و ارتکاب جنایت و تبهکاری در بین جوانان پانزده ساله آمریکایی از رشدی معادل ۱۲۷٪ بر خوردار بوده است.»

وزارت دادگستری آمریکا:

«تعداد نوجوانان زیر هجده سال که به دلیل ارتکاب جرائم زندانی هستند طی سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۷، دوبرابر شده است.»

کشتار کودکان و شهروندان

کلیتون:

«به دلیل وجود تعداد زیادی سلاح گرم در دست مردم، برای بسیاری از آمریکایی‌ها زندگی در ایالات متحده

بسیار خطرناک‌تر از زندگی در سوماتالی جنگ زده شده است.»

واشنگتن پست:

«کنترل واشنگتن پایتخت آمریکا خارج از قدرت پلیس است و این شهر با ۴۸۹ فقره قتل در میان پایتخت‌های دنیا مقام اول را داشته است و خیابان‌های آن به کشتارگاه تبدیل شده‌اند.»

پرفسور مولانا:

«در نیویورک در سال ۱۹۶۰ تعداد قتل‌ها ۳۹۰ مورد بود، که در سال ۱۹۸۶ به ۱۹۸۷ نفر و در سال ۱۹۹۰ به ۲۲۴۵ نفر افزایش یافت.»

باز هم خشونت و کشتار

مؤسسه امنیت و سلامتی در آمریکا:

«۱۰۷۱ آمریکایی در طول سال ۱۹۹۴ در محل‌های کار خود به قتل رسیده‌اند و بیش از ۱۶۰ هزار نفر دیگر هم مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.»

صندوق حمایت از کودکان:

«شمار کودکانی که به ضرب گلوله در ده سال گذشته در آمریکا کشته شدند ۹۴٪ افزایش یافته است، طبق آمار هر دو ساعت یک کودک در آمریکا هدف گلوله قرار می گیرد.»

بر طبق آمار دفتر تحقیقات فدرال آمریکا:
«در سال ۱۹۸۷ تعداد بچه هایی که هدف گلوله قرار گرفته و کشته شده اند به ۱۲۷۰ نفر رسیده و پنج سال بعد یعنی در ۱۹۹۲ به بیش از ۲۸۰۴ رسید.»

تجاوز و هتک حرکت زنان

نیویورک تایمز:

«تفریح آمریکاییان شکل زشت و شرم آوری پیدا کرده است. فیلم ها و ترانه ها، آوازه ها و نمایش ها به جای اینکه الهام بخش و پیام آور باشند، هراس آور و زننده شده اند.
تجاوز جنسی، استعمال دخانیات، مواد مخدر، شیطان پرستی، خشونت و هرزگی و بی بندوباری در شهرهای مختلف آمریکا اوج گرفته است.

شهرهایی چـون واشنگتن، نیویورک، شیکاگو، بوستون، لس آنجلس، سانفرانسیسکو و چند شهر دیگر به عنوان مناطق خطرناک قلمداد شده‌اند، زیرا هیچ گونه تأمین جانی و ناموسی برای زنان وجود ندارد.»

نشریه آمریکایی، ریدرز دایجست:

«هرساله ۳۵۰ هزار دختر نوجوان آمریکایی در سنین بین پانزده تا نوزده سال دورهٔ دبیرستان به سبب ارتباط‌های نامشروع فرزندان غیرقانونی به دنیا می‌آورند و این آمار در دهه‌های اخیر سال به سال در حال افزایش است.»

ویلسون ، پز شک آمریکایی:

«در ایالات متحده از هر دوزن یکی در طول زندگی در معرض تهدید و تجاوز گروهی بوده که همراه با مصرف الکل و مواد مخدر می‌باشد.»

«سالانه بیش از چهارصد هزار مورد سقط جنین در زنان زیر بیست سال رخ می‌دهد که اکثراً در دختران ازدواج

نکرده آمریکایی است و ۷۰٪ این دختران، حملات جنسی افراد و گروه‌های مستهجن و هرزه را تجربه می‌کنند.»

نیویورک تایمز:

«کارآگاهان شخصی بوش هم قادر به مهار جنایات و تعرض به خانم‌های جوان و دختران نیستند! و تنها رفتن به بیرون از خانه از ساعت هشت شب برای زنان و دختران ۱۰۰٪ مخاطره آمیز است.»

مارلین فرانچ، نویسنده:

«یک مرد آمریکایی در هر دوازده ثانیه زنش را کتک می‌زند و هر روز چهار تا از این ضرب و جرح‌ها موجب فوت زن می‌گردد! طبق بررسی‌های اف بی آی، تعداد تجاوزات به زنان افزایش داشته است. هر ساله حدود دویلمیون و نیم زن مورد حمله-تجاوز-و سرقت قرار گرفته که یک چهارم این جنایت‌ها توسط افراد فامیل یا دوستان صورت می‌گیرد.»

اشاعه مواد مخدر در بین نوجوانان و زنان

رئیس مبارزه با مواد مخدر آمریکا:

«تعداد کودکان زیر هجده سال که در رابطه با مواد

مخدر دستگیر شده‌اند بین سالهای ۹۱-۹۵ بیش از ۳۷٪ افزایش

یافته است» وی افزود:

این نخستین موج ضعیف از یک طوفان ویرانگر است.»

«تنها در سال ۱۹۹۰، تعداد ۹۷۸ نوجوان به جرم

فروش مواد مخدر در پایتخت آمریکا دستگیر شده‌اند و ۴۳۱

نوجوان دستگیر شده درواشنگتن اعتیاد به کوکائین داشته‌اند.»

منابع معتبر پزشکی آمریکارسمای اعلام کرده‌اند که :

«۲/۳ نوجوانان ایالات متحده قبل از اتمام دبیرستان

یکی از اشکال داروهای مخدر را استفاده می‌کنند.»

وزارت بهداشت و خدمات انسانی آمریکا:

«استفاده نوجوانان دوازده تا هفده ساله آمریکایی از

مواد مخدر در سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ به میزان ۷۸٪ افزایش

یافته است. بنابر این گزارش که از سوی این وزارتخانه هر سال منتشر می گردد:

نسبت افرادی که سن آنان میان دوازده تا هفده سال است و حداقل ماهی یک بار کوکائین مصرف می کنند در سال گذشته ۱۶۶٪ افزایش یافته است.»

روزنامه وال استریت ژورنال:

«تعداد زنانی که در سال ۱۹۹۶ به دلیل سوداگری مواد مخدر در زندان های آمریکا زندانی شده اند به ۲۳ هزار نفر می رسد که نزدیک به ده برابر تعداد زنانی است که در سال ۱۹۸۶ با جرمی مشابه زندانی شده بودند.» «تعداد زنانی که به دلایل غیر از قاچاق مواد مخدر در آمریکای زندانی شده اند نیز طی سال های ۱۹۸۶ الی ۱۹۹۶ از هفده هزار نفر به ۳۹ هزار نفر رسیده است. این در حالی است که سازمان های حقوق بشر گزارش هایی درباره شرایط بد زنان زندانی و تجاوز و تعرض به آن ها داده اند.»

کثرت زندانیان

وزارت دادگستری آمریکا

«در پایان سال ۱۹۹۵ از هر ۱۶۷ شهروند آمریکایی یک نفر در زندان محبوس بوده و درحالی که در سال پیش از آن از هر ۳۲۰ شهروند آمریکایی یک نفر در زندان‌های این کشور محبوس بوده است.»

«شهرداری شهر نیویورک به امید آن که بیشتر شدن زندان‌ها باعث کنترل جرایم و خشونت‌ها گردد یک میلیارد دلار صرف ساختن زندان‌های جدید کرده و بودجه اختصاصی زندان‌ها از ۱۲۰ میلیون دلار در ۱۹۸۱ به ۸۰۰ میلیون دلار در حال حاضر رسیده است.»

«تعداد زندانیان شهر نیویورک از ۷۰۰۰ نفر در ۱۹۸۰ به ۲۲ هزار نفر در حال حاضر رسیده است.» «با اینکه برنامه افزایش زندان‌ها جهت کنترل جرایم عملاً شکست خورده است و طی این مدت در شهر نیویورک اعمال خشونت آمیز ۱۵٪ رشد داشته معذک شهردار جدید شهر در پی ساختن ۵۵۰۰ تخت جدید برای زندان‌های شهر است!» همان منبع

«بر اساس آخرین آمار موجود، تعداد زندانیان در ایالات متحده که به دلیل جرایم متعدد در زندان به سر می‌برند به

دومیلیون نفر رسیده است یعنی از هر ۱۲۵ نفر افراد جامعه این کشور یک نفر در زندان به سر می برد.»

«بررسی بودجه فدرال و ایالتی آمریکا نشان می دهد که طی هشت سال گذشته بودجه ساختن زندان ها ۳۰٪ افزایش یافته است، در حالی که بودجه آموزش عالی ۱۸٪ کاهش را نشان می دهد!»

«ایالت پر جمعیت کالیفرنیا طی دوازده سال گذشته ۲۱ زندان جدید ساخته و تنها یک دانشگاه جدید بنا نموده است و وضعیت مشابهی هم در ایالت فلوریدا وجود دارد.»

وضعیت خطرناک دانشجویان ودانش آموزان

مرکز پیش گیری از بیماری های دکتر لیوید کلبه:

« ۴۰٪ دانشجویان مدارس عالی آمریکا الکل مصرف می کنند و ۳۱٪ آن ها دائماً و ۵۱٪ گه گاه ماری جوانا می کشند و ۲۷٪ از الکل خوارها گفته اند که در حال مستی رانندگی می کنند و گه گاه با همین حالت به کلاس درس و آزمایشگاه و کتاب خانه می روند.

بر اساس این گزارش: ۱۳/۱ دانشجویان نیز در خوابگاه‌ها و یا محیط دانشگاه‌ها مورد تجاوز قرار گرفته‌اند.»

«در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۸۶ در مدارس ایالت کالیفرنیا انجام گرفت، هفت مورد از مسائل جاری به شرح زیر بود:

استفاده از مواد مخدر، نوشیدن مشروبات الکلی، حاملگی دختران جوان، خودکشی، تجاوز، دزدی و خشونت.

البته یک مورد دیگر که در سال‌های اخیر به موارد بالا افزوده شده در غالب ایالات آمریکا به عنوان یک معضل اجتماعی مطرح شده، مسلح شدن جوانان دانش‌آموز به انواع سلاح‌های گرم و بعضاً استفاده از آن‌ها علیه معلمان، کارکنان و دانش‌آموزان دیگر است.»

«در سال ۱۹۹۷-۱۹۹۸ در ۱۰٪ مدارس آمریکا ۴۱۰۰ مورد تجاوز و اقدامات تهاجمی و ۷۱۰۰ فقره دزدی و ۱۱۰۰ مورد درگیری مسلحانه میان دانش‌آموزان به وقوع پیوسته است.»

واشنگتن پست:

«بر اساس برآورد «برایان ری» متخصص امور تعلیم و تربیت، نزدیک به یک میلیون کودک و نوجوان آمریکایی در منزل آموزش دیدند و به مدرسه نرفتند و این روند رو به رشد بوده و تا سال ۲۰۰۰ به دو میلیون کودک و نوجوان خواهد رسید.

علت عمده چنین روندی تمایل اولیا به آموزش‌های معیارهای اخلاقی و اصول دینی به کودکان می‌باشد، چرا که هرگونه تعلیم و تربیت مذهبی و حتی نمادهای دینی در مدارس آنها ممنوع می‌باشد.»

آمریکای قمارباز!

واشنگتن پست:

«آمریکاملت قماربازان شده و قماربازی به مقدار ۴۸۲ میلیارد دلار در سال بزرگترین سرگرمی ملی آمریکا شده است. موسیقی، قایق و کشتی‌رانی، پارکهای تفریحی، مسابقات ورزشی و سینما و فیلم از جنبه سرگرمی پایین تر از قمار قرار

گرفته‌اند. بر اساس آمار: تعداد ورودی به همه نوع پارک تفریحی، سالیانه ۱۲۸ میلیون نفر می‌باشد.

تعداد ورودی به کازینوهای قمار، سالیانه ۱۲۵ میلیون نفر، به کنسرت موسیقی سالیانه ۲۴ میلیون نفر، به بازی‌های فوتبال کلوپ‌های اصلی ۱۴ میلیون نفر و به تئاترها ی معمولی سالیانه ۹ میلیون نفر می‌باشد...

آمار جدید نشان می‌دهد که :

جنايات در نقاطی که قماربازی رواج دارد رو به افزایش است و عده نوزادان خارج از چهارچوب زناشویی در سال‌های اخیر ده برابر افزایش پیدا کرده است و عده کسانی که به جرم جنایت در زندان به سر می‌برند از یک میلیون نفر گذشته است.»

فساد مسئولین حکومتی

اداره نظارت بر عملکرد کنگره آمریکا:

«نماینده گاه مجلس آمریکا در فاصله ژوئن ۱۹۸۹ تا ژوئن ۱۹۹۰ مجموعاً ۸۳۳۱ چک بی محل کشیده‌اند که به طور متوسط نوزده چک برای هر عضو مجلسی بوده و

چک‌های بی محل برگشتی هر نماینده یک هزار دلار در سال می‌باشد... مبلغ بعضی از چک‌های برگشتی متجاوز از ده هزار دلار می‌باشد.»

بر اساس گزارش این اداره با وجود این که در اواخر سال ۱۹۸۹ قوانینی برای جلوگیری از این سوء استفاده به اجرا گذارده شده ولی میزان چک‌های برگشتی و بی محل نمایندگان ۸٪ افزایش یافت!

«در دودعه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ پانزده تن از سران و اعضای کنگره آمریکا به علت تخلف قانونی رشوه خواری و سوء استفاده و فساد از سمت خود استعفا داده و یا برکنار شده‌اند.»

نیوت گنگریج، رئیس اسبق مجلس آمریکا:

«ایالات متحده باید جهان را رهبری کند ۱۰۰ اما با

کشوری که در آن

دوازده ساله هاباردار می‌شوند، پانزده ساله هاهمدیگر را می‌کشند، هفده ساله‌ها به ایدز مبتلا می‌شوند و هجده ساله‌ها دیلم می‌گیرند بدون این که بتوانند بخوانند و بنویسند هیچ کس رانمی‌شود رهبری کرد»

جیمز ترفیکانت، نماینده دموکرات آمریکا:

«در مدارس ما مواد مخدر هست، تجاوز جنسی هست، حتی قتل هم هست ولی به علت جدایی دین از سیاست و حاکمیت سکولاریسم اجازه نام بردن از خدا نیست.»

ویلیام بنت، وزیر اسبق آموزش و پرورش آمریکا:

«مشغول ساختن آسمان خراش‌های عظیم، زندگی لوکس، افزایش امکانات مادی و خوش گذرانی شدیم، بدون اینکه بدانیم قاتلانی را تربیت می‌کنیم که برای صد دلار بچه پنج ساله را به قتل می‌رسانند و برای قاپیدن النگوی یک زن حامله، شکم او را می‌درند و معلمی رامی‌سازیم که پس از تماشای فیلم تلویزیونی دست به خودکشی می‌زند و...»

هشدار!

باید به پسران و دختران پیرو فرهنگ غرب بخصوص آمریکا هشدار داد که از پاکی فطری خود فاصله نگیرند و لذات جنسی را در دایره قانون و دین انجام دهند. خیال نکنند که دوست پسر و دختر داشتن و ارتباط اینترنتی با جنس مخالف

برقرار نمودن والفاظ زشت در «چَت ها» به یکدیگر گفتن و مراسم پارتی مختلط و رقص و پایکوبی برگزله کردن افتخار و امتیاز و علامت داشتن شخصیت است. زیرا هیچکسی تاکنون از اینها دارای شخصیت نشده و آنهایی که این چنین بودند بعد از مرگشان در دنیا هیچ یاد خوبی از آنها نمی شود و در عالم آخرت هم دچار پشیمانی عظیمی می شوند.

آیا اسلام دین ریاضت و دوری از لذات و سختی است؟

بعضی از جوانان خیال می کنند که دین اسلام دین ریاضت است. دین سختی کشیدن است. اما مثلاً دین مسیحیت دین نرم و ملایمی است! زیرا در اسلام باید ها و نبایدها زیاد است. باید نماز خواند. باید روزه گرفت. باید خمس و زکات داد. باید حج و جهاد رفت. باید به دیگران کمک کرد. باید امر بمعروف و نهی از منکر نمود.

همچنین نباید زنا کرد. نباید شراب خورد. نباید به نامحرم نگاه کرد. نباید گوشت خوک خورد. نباید رقصید و نباید موسیقی زننده گوش داد. نباید فحش و ناسزا گفت. نباید در مجالس حرام

رفت. نباید لواط و استمناء کرد. نباید مساحقه نمود. نباید موی بدن زن و یا زینتش آشکار شود. نباید غیبت کرد. نباید دزدی نمود. نباید مال یتیم خورد. نباید ربا خورد و...

ولی از این غافلند که دین اسلام کاملترین دینهاست. وقوانین آن برای سعادت انسان تا روز قیامت کافی است. اگر اسلام باید ها و نبایدهای زیادی برای پیروان خود دارد برای آن است که همواره در مسیر صحیح حرکت کنند و دچار انحرافات نبود کنند دین و دنیا نشوند. هر کدام از احکام اسلام فلسفه و علت خاصی دارد که بعضی از این علتها در کتب الهی و کتب مذهبی بیان شده است. قرآن درباره نماز می فرماید که: نماز مانع فحشاء و منکر می شود.

شما اگر درباره حقیقت این آیه بررسی می کنید و سر بهم به زندانهای کشورمان بزنید متوجه می شوید که اکثر زندانیان از کسانی هستند که بانماز ارتباطی نداشته اند. و شاید در عمر خود برای شرکت در نماز جماعت به مسجد نرفته اند. اسلام می خواهد با نماز روح آدمی را از چنگالهای هوای نفس واز

وسوسه‌های شیطان نجات بدهد. نماز کمر شیطانها را می‌شکند. نماز گناهان را پاک می‌کند.

«نقل شده که روزی جوانی درموقع نماز بلند شد و به پیامبر اسلام (ص) گفت: یا رسول الله من آلوده‌ام! مرا پاک کن. پیامبر رو از او برگردانیدند و مشغول نماز جماعت شدند. بعد از نماز، باز آن جوان بلند شد و گفت: یا رسول الله! من آلوده‌ام! مرا پاک فرما! حضرت فرمود: مگر شما بالباس پاک به این مسجد نیامدی و با ما نماز نخواندی؟ گفت: چرا. فرمود: این نماز تو را از گناهان پاک نمود.»

«و در سخن دیگری آمده که سلمان گفت: نزد پیامبر در زیر درختی نشسته بودم. ناگاه حضرت بلند شد و درخت را تکان داد تا برگهایش ریخت. من علت این کار را پرسیدم. فرمود: همانطور که برگهای این درخت ریخت، گناهان آدمی هم با خواندن نماز می‌ریزد.»

نماز انسان را از عذاب وجدان گناهان نجات و خلاصی داده و به او آرامش می‌دهد. و این آرامش لازمه روح آدمی است که متأسفانه در آدمهای فراری از نماز دیده نمی‌شود.

پس نمی توان نماز را یک تکلیف سخت و ریاضتی برای انسان قلمداد کرد. نمازی که هیچگاه از انسان ساقط نمی شود چه در سفر و چه در حضر. چه در جنگ و چه در صلح. چه در سلامتی و چه در بیماری. چه در فقر و چه در غنی. چه در مجردی و چه در دوران ازدواج. در جوانی و چه در پیری.

اگر ارزش نماز را بدانیم می فهمیم که نماز نه تنها سخت نیست بلکه برای عارفان بسیار لذت بخش است. آنچنان که شخصی مانند اویس قرن که پیر مرد چوپانی است بخود می گفت: اویس! امشب شب رکوع است و تا صبح در یک رکوع بسر می برد. و شب دیگر می گفت: امشب شب سجود است و تا صبح را در یک سجده بسر می برد. و شب دیگر را تا به صبح در قیام و ایستاده عبادت می کرد. او که دیگر پیامبر و امام نبود تا این عبادت ها را مختص اولیاء خدا بدانیم. او پیر مرد بیسواد چوپانی بود که با معرفت صحیح به درجه ای رسید که جزء یاران علی (ع)، بود و در کنار حضرتش جنگید و عاقبت به شهادت رسید.

نماز جلو انحرافات جنسی را می گیرد. نماز جلو اعتیاد را می گیرد. نماز جلو فقر را می گیرد. نماز جلو انحرافات سیاسی را می گیرد. نماز جلو انحرافات اعتقادی را می گیرد. نماز جلو انحرافات اقتصادی را می گیرد و...

در نتیجه نماز را نمی توان تکلیف سختی دانست. دیگر تکالیف واجب و حرام هم هر کدام نقش مهمی در هدایت انسان و دوری از انحرافات دارند.

اگر اسلام از زنا و روابط نامشروع نهی کرده است برای جلوگیری از عواقب خانمان برانداز آن است. زنا پرده های حیا را بخصوص در زنان از بین می برد. محبت های زن و شوهری و وفاداری ها را به خیانت نسبت بهم، تبدیل می کند. وقت شریف و باارزش را در افراط گری های جنسی صرف می نماید. زن و مردیکه از راه قانونی باهم ازدواج کنند، در غیر از سال های اولیه ازدواج، با هفته ای دو یا سه بار نزدیکی اشباع میشوند

و با خیال راحت و آرامش کامل به انجام وظایف خود می پردازند. ولی زن و یا مردیکه ارتباطات نامشروع دارند، اوقات زیادی را صرف این حس سیری ناپذیر می کنند و گاهی علاقه

موقتی به یک نفر پیدا می کنند ولی همینکه پای نفر دیگری
بمیدان آمد از اولی دل می کنند که بقول معروف «لکل جدید
لذة!» برای هر جدید و تازه ای لذت خاصی است.

این افراد آرامش خیال ندارند زیرا زنا برخلاف فطرت پاک
آدمی است. و البته از اثرات زیانبار آن که متلاشی شدن
کانونهای خانواده ها، بچه های نامشروع، ناآرامیهای ذهنی و از
همه مهمتر میل افراد زناکار به ایجاد فساد در جامعه و میل به
ظلم و ستم و دروغ و کج رویها مصون نخواهند ماند. فرد زناکار از
نظر اسلام صلاحیت قضاوت، شهادت در دادگاه، امامت
جماعت، مرجعیت و اجتهاد و... ندارد.

در روایات آمده که از علامتهای دشمنی با اهل بیت زنازادگی
است و آمده که کسی با اهل بیت دشمنی نمی ورزد مگر اینکه
بیچۀ زنا و یا بیچۀ حیض باشد.

چه پولهای هنگفتی که انسانهای جا مانده از حقیقت صرف
ارضاء جنسی نامشروع خود نمی کنند. چه پولهایی که به
زنهای فاحشه می پردازند مثلاً شخصی می گفت که در سال
دویاسه بار به ترکیه رفته و چند شبی در هتل مانده و مبالغی را

صرف هتل و مادام!! نموده و سپس بادست خالی! به کشور مراجعت می نماید درحالی که اگر این پولها را صرف ازدواج قانونی و شرعی می کرد میتوانست همواره از همسری که فقط متعلق به اوست و شریک زندگی اوست بهره های فراوانی در مسائل مختلف زندگی ببرد.

وجه پولهایی که این افراد صرف خرید ماهواره و فیلمهای مبتذل برای فقط لذت چشمها نمی کنند درحالی که میتوانند با این پولها کارهایی که بدرد خود و خانواده و کشور و دنیایشان بخورد انجام دهند.

طبق آمار یکسوم کودکان انگلیس حرام زاده هستند! و بقیه کشورهای اروپائی و کشورهای که در آنها بی بند وباری بعنوان یک عمل بد تلقی نمی شود نیز کم و بیش همین آمارها را دارند.

این کودکان در آینده در سراسر کشور هر کدام در جایگاه خود زندگی خواهند کرد. بعضی در کارهای سیاسی و بعضی پستهای حساس را بدست خواهند گرفت و بعضی در بازار

و تجارت وعده ای در آموزش و پرورش و در طبابت و در جاهای دیگر مشغول بکار می شوند.

کشوریکه مسئولینش از فرزندان حرام به عمل آمده باشند آینده سالمی نخواهد داشت. بلکه کسانی مثل شارون و جرج بوش و بیل کلینتون و امثال او قدرت را بدست می گیرند که از کشتار مردم مستضعف و محروم و مخصوصاً ملت های مسلمان لذت می برند. کسانی که فاقد ترحم نسبت به انسانها هستند و فقط خود و مردم خود را می بینند و برای هیچ کس دیگری ارزش و احترام قائل نیستند.

اینجاست که به فلسفه احکام در اسلام پی می بریم که تصدی پستهای حساس مثل رهبری و قضاوت و امامت جماعت را برای افراد حرام زاده ممنوع کرده است. و برعکس توجه و عنایت ویژه ای به افراد باتقوا و پاک و سالم از نظر اخلاقی دارد .

اما حکم دیگری که اسلام دارد مربوط به **حرام بودن شراب خواری** است. شراب مایعی است که نه تنها در دین اسلام بلکه در همه ادیان و بلکه از دید همه اطباء مضر و ضرر آور تشخیص داده شده است.

بزرگترین ضرر شراب مختل کردن عقل آدمی است. عقلی که شرافت انسان و برتری او بر سایر موجودات وابسته به آن است.

یکی از دانشمندان گفته است که حتی مصرف کم الکل می تواند ضایعات مغزی بسیاری را سبب شود. و وقتی انسان از نوشیدن مقدار کمی الکل، احساس لذت و شادمانی می کند نمی داند که به نابودی سلولهای مغزی خود کمک کرده است.

آثار زیانبار شراب در جوامع مختلف قابل انکار نیست. شراب را می تواند ریشه بسیاری از مفاسد غرب دانست که بحمدالله در کشور ما بخاطر رعایت مسائل مذهبی، شرابخواری در حد بسیار ضعیف و اندکی است.

اما در تاریخ می توان به مواردی اشاره کرد که شرابخواری باعث نابودی و جنایت شده است. وقتی هارون، خلیفه عباسی، خواهرش عباسه را به عقد جعفر برمکی وزیر مقتدر خود در آورد او را از هرگونه تماس جنسی منع نمود و جعفر هم اطاعت کرد ولی عباسه نتوانست بر هوس خود غلبه کند و ترتیبی داد تا جعفر با نوشیدن شراب مست شود. آنگاه با او عمل جنسی انجام داد. وقتی بعد از مدتها خبر به هارون

رسید، دستور کشتن جعفر برمکی و کندن ریشه برامکه در دستگاه خلافت خود را صادر نمود. و به این ترتیب ریشه برمکی ها از قدرت و خلافت کنده شد.

و یا وقتی مغولها به ایران حمله کردن، پادشاه ایران جلال الدین خوارزمشاه بدلیل مستی نتوانست تصمیم درستی برای دفاع از کشور

بگیرد لذا کشور ایران به اشغال مغولها درآمد و تمدن اسلامی دچار آفت مخربی گردید.

در زمان امیر کبیر که می رفت کشور ما از تاریکی و گمراهی بدر آید و از عقب ماندگی نجات یابد، بدخواهان حکم قتل امیر کبیر را از ناصرالدین شاه در حال مستی گرفتند و اجرا نمودند. و باعث شدند که امید نجات ایران برباد رود.

در تاریخ ذکر شده که افرادی بوده اند که بر اثر مستی با محارم خود مثل خواهر خود زنا کرده اند.

دانشمندان تنها آثار زیانبار شرابخواری را گریبانگیر شرابخوار نمی دانند بلکه به نسلهای بعدی هم این آثار سرایت می کند.

دبیر کل سازمان بین المللی مبارزه باالکل گفت که هشتاد درصد دیوانگان وچهل درصد بیماران آمیزشی در نتیجهٔ اعتیاد به الکل بوده است. و دکتري در المان گفته است که درب میکده هارا ببندید تا من درب نیمی از بیمارستانها و دیوانه خانه هارا ببندم.

پس ملاحظه می کنید که چرا اسلام شراب را حرام نموده است. اسلام نمی خواهد که مسلمانش اسیر این آثار زیان آور باشد. اسلام می خواهد که مسلمین تندرست و شاداب و سالم و قوی و بدور از هر گونه انحرافی باشند. همانطور که در بهشت موعود این چنین و کلیهٔ بهشتیان از هر گونه بیماری جسمی و روحی و حتی از صفات زشتی چون حسادت، کینه جوئی، بخل و خساست، ترس و تکبر و... بدور می باشند.

مسئله دیگری که باعث شده که اسلام را دین محدودیتها تلقی کنند مربوط به روابط جنسی است.

چگونه میتوان قبول کرد که خداوند حکیم نیاز جنسی را در انسان قرار دهد ولی برای اشباع سالم آن پیش بینی نکرده

باشد؟ آنقدر که در اسلام به مسئله برطرف کردن نیازهای
غریزه جنسی اهمیت داده شده در کدام دین این چنین بها داده
شده است؟

البته چون راه برطرف کردن این نیاز حساس است و در صورت
درست نبودن راه انسانها دچار آثار زیانباری می شوند، اسلام
عزیز این راه را در چهارچوب خاصی قرار داده که هر
مسلمانی باید در این چهارچوب که بسیار بزرگ هم است
حرکت کند و برای متخلفین و متجاوزین از
این حدود، مجازاتهای سختی چون سنگسار، اعدام و شلاق
در نظر گرفته شده است.

از یک طرف اسلام می فرماید که دختر باید آنقدر زود شوهر
کند که هنوز عادت ماهیانه شده از خانه پدر رفته باشد. و یا پسر
هرگاه احساس کرد که به خطر گناه می افتد واجب است که
ازدواج کند و یا مرد می تواند بدلائی تا چهار زن دائم و بطور
نامحدود همسر موقت داشته باشد و از طرفی به کسانی که بعللی
برایشان ازدواج میسر نیست دعوت و سفارش به پاکدامنی

و عفاف می نماید. و رابطه جنسی خارج ازدواج را ممنوع می داند.

اسلام برای حفظ تعادل غریزه جنسی، رابطه زن و مرد را به قیودی مقید ساخته است که رعایت آنها به سلامت جامعه کمک می نماید و عدم رعایت آنها، باعث انحراف و عاقبت اضمحلال آن جامعه می شود. از جمله این قیود و ضوابط :

۱- محارم:

باتوجه به اینکه افرادی بخاطر قرابت و خویشی مجبورند در یک جازندگی کنند، اسلام افرادی را به هم محرم ساخته است که از یک طرف معاشرت این افراد با هم به دلیل عدم رعایت وجوب حجاب زن، سخت و مشقت آور نباشد و از طرفی با ممانعت از ازدواج این افراد باهم، روابط خویشاوندی سالم از بین نرود.

علاقه این افراد به هم علاقه خویشاوندی و فامیلی است. مثل علاقه پدر و مادر نسبت به فرزند و علاقه برادر نسبت به خواهر و ... غیره.

۲- حرمت زنا

علاوه بر ممنوعیت رابطه جنسی با محارم، ارتباط با جنس مخالف بدون عقد شرعی، زنا محسوب شده و حرام و ممنوع است.

«وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا».

«به زنا نزدیک نشوید زیرا زنا فحشاء و بد راهی است».

در سفر معراج، در هنگام بازدید از جهنم، پیغمبر (ص) دید که:

«عده ای از زنهارا به سینه هایشان آویزان کرده بودند وعده ای دیگر را بانخ و سوزن آتشین، بدنهایشان را می دوختند. از جبرئیل در باره اینان پرسیدم فرمود: اینها زناکار بوده اند».

پیغمبر (ص) به علی (ع) فرمود:

«زنا دارای سه اثر بد دنیوی و سه اثر بد اخروی است: اثرات دنیوی زنا عبارتند از: رسوا شدن، کوتاهی عمر و قطع روزی (روزی حلال). و اثرات

اخروی آن: سختی حساب، خشم خداوند و ابدی بودن در جهنم است».

توطئه بلعم باعورا

«آمده است که وقتی لشکر حضرت موسی (ع) به فرماندهی یوشع بن نون (ع) تصمیم به تصرف شام را گرفتند. حاکم آن ناحیه از بلعم باعورا که دانشمندی قلابی بود درخواست کرد که راهی برای شکست لشکر بنی اسرائیل به او نشان دهد. بلعم به آنان گفت که تنها عامل شکست این لشکر زناست! شما زنان هرزه را به عنوان خرید و فروش میان لشکر بنی اسرائیل بفرستید و به آنها اجازه بدهید که خود را در اختیار مردان لشکر بگذارند.

دستور بلعم اجرا شد و زنان هرزه در بین لشکر یوشع رفت و آمد می نمودند و به فسق و فجور با لشکریان مشغول شدند.

طولی نکشید که در اثر این تماسهای نامشروع، مرضی خطرناک در بین لشکریان پیدا شد و در فاصله چند روز هزاران نفر را کشت!

این وضع ادامه داشت تا اینکه یکی از افراد غیرتمند لشکر، نیزه خود را بدست گرفت و به زن و مردی که در حال زنا بودند حمله کرد و آنان را کشت و اعلام کرد هر که را در حال عمل نامشروع ببابم، او را می کشم! لشکریان از ترس جان، از زنان مذکور فاصله گرفتند و در نتیجه آن مرض مهلک از میان رفت و لشکر بنی اسرائیل توانست شام را فتح و تصرف کند.

زنی که استخاره می کرد!

«یکی از علماء می گوید: مشاهده کردم که هفته ای یکبار خانمی در حرم امیرالمؤمنین (ع) برای زنها استخاره می گیرد. من از یکی از خادمین حرم خواش کردم که آن زن را نزد من بیاورد تا چند سؤال از او بپرسم. خانم را نزد آوردند، از او پرسیدم: شما چگونه استخاره می گیرید؟ جواب داد: با تسبیح و با کمک حضرت ابوالفضل (ع)! وقتی از او توضیح خواستم، گفت: من زنی بیوه هستم که چند بچه دارم. از بی پولی چندبار تصمیم به اعمال ناشایست گرفتم، ولی هربار منصرف شدم و تقوا پیشه نمودم. یک دفعه آخر خیلی بمن فشار آمد و

دیگر نزدیک بودم که آلوده شوم ولی باز منصرف شدم و به حرم حضرت ابوالفضل (ع) رفتم و سه روز در آنجا اعتصاب غذا نمودم و از حضرت تقاضای کمک نمودم.

در عالم رؤیا حضرت عباس (ع) بمن فرمود: برو و در حرم پدرم امیرالمؤمنین (ع) برای زنها استخاره بگیر!

گفتم: من این کار را بلد نیستم!

فرمود: ما کمکت می کنیم.

من هم هفته ای یک بار به اینجا می آیم و استخاره می گیرم و حضرت هم مطالبی که لازم است به افراد بگویم، بر زبانم جاری می کند. و مردم هم در عوض بمن مزد می دهند!

۳- سرپرستی مرد نسبت به خانواده

اسلام مرد را رئیس و سرپرست خانواده می داند و وظیفه او را رفع احتیاجات خانواده و اداره امور مختلف دانسته و اطاعت از دستورات او را (اگر بر خلاف دستورات خدا و رسول او نباشد) از طرف اعضای خانواده، لازم می داند.

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا نَفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ».

«مردان سرپرستی و کارگذاری زنان را برعهده دارند، بخاطر برتری که خداوند بعضی (مردان) را بر بعضی (زنان) داده است، و به خاطر نفقه‌ای که از اموالشان می‌پردازند».

«پیغمبر(ع) فرمود: اگر زن از خانه خارج شود در حالی که شوهرش از او ناراضی باشد، تمام فرشتگان او را لعنت می‌کنند تا زمانی که به خانه برگردد».

و در سخن دیگر فرمود: اگر شوهر از زنش ناراضی باشد، عبادت‌هایش قبول نمی‌شود تا زمانی که شوهر از او راضی شود.

۴- زن مسئول امور خانه :

از طرفی اسلام مسئولیت اداره خانه و امور خانه‌داری را به عهده زن گذاشته است. آنچنان که پیغمبر(ص) فرمود:

«زن سرپرست خانه شوهرش بوده و مسئول است».

باتوجه به روایات معصومین(ع)، متوجه می‌شویم که از نظر اسلام، خوب است زن به اموری مشغول شود که تماس او را با جنس مخالف محدود سازد. مثلاً جهاد از زنان برداشته شده است و تهیه آذوقه و مسکن و لباس به عهده مرد قرار دارد.

عیادت مریض و تشییع جنازه و بقیه امور اجتماعی که برای مردان بسیار سفارش شده است، برای زنان سفارشی از طرف بزرگان دین نشده است، بلکه به زنان رخصت داده شده است که در این امور شرکت نکنند. اما از آن طرف برای اداره امور منزل و مشغول شدن به تربیت کودکان و تعلیم و آموزش و رفع احتیاجات شوهر بسیار سفارش شده است. به چند حدیث در این زمینه توجه نمائید:

«روزی رسول خدا(ص) در جمع اصحاب و یاران نشسته بودند که اسماء بنت یزید انصاری، به حضور پیغمبر(ع) رسید و عرض کرد: من نماینده زنان هستم تا از شما سؤالی بپرسم، و این فقط سؤال زنان انصار و مدینه نیست بلکه هیچ زنی در شرق و غرب عالم نیست مگر اینکه وقتی سؤال مرا بشنود، آن را می‌پذیرد. پس من در حقیقت نماینده همه زنان عالم هستم! پدر و مادرم و خودم فدای شما ای رسول خدا!»

حقیقتاً خداوند شمارا به پیامبری بسوی زنان و مردان مبعوث نمود، ماهم به تو و خدایت، ایمان

آوردیم، و بدرستی که ما زنان، خانه نشین و در حجاب و محدود هستیم. غرائز جنسی شما مردها را برطرف می‌کنیم و فرزندان شما را بزرگ می‌نمائیم! آن وقت شما مردها چند امتیاز بر ما زنها دارید: شما در نماز جمعه و جماعت و عیادت‌مریضها و تشییع جنازه و حج پیایی و از همه بالاتر در جهاد شرکت می‌کنید! وقتی یکی از شما برای حج و عمره و جهاد، خارج می‌شوید، ما اموال شما را حفظ می‌کنیم، لباسهای شما را می‌بافیم، بچه‌های شما را بزرگ می‌کنیم در حالی که در اجر و ثواب کارهای شما شریک نیستیم!

در این موقع حضرت با تمام صورت به اصحابش متوجه شد و فرمود: آیا شما تاکنون زنی این چنین دیده‌اید که به این خوبی مسائل دینش را بپرسد؟ اصحاب گفتند: ما فکر نمی‌کردیم زنی به این مرتبه برسد!

سپس پیغمبر به طرف آن زن توجه کرد و فرمود: ای خانم! خوب بفهم و به همه زنان اعلام کن!

بدرستی که خوب شوهرداری کردن زن و جلب رضایت شوهر و موافق او عمل نمودن، مساوی و معادل همه این کارهای خیری است که مردان انجام می دهند!

آن زن درحالی که زبان را به لا اله الا الله بلند کرده بود نزد زنان برگشت.

۵ - حجاب زن:

« و به زنان با ایمان بگو: چشم از نگاه به مردان اجنبی فروبندند و عفت خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آنچه آشکار است، ظاهر ن سازند، و باید اطراف و سربهای خود را به سینه هایشان ببندازند و زینت خویش را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان یا پدران و پدر شوهران یا پسران و یا پسر شوهران و یا برادران و یا خواهرزادگان و یا برادر زادگان و یا زنان و یا غلامان و یا افراد ناتوان از شهوت همچون پیرمردان که به زنان تمایلی ندارند و یا کودکانی که از اسرار زنان خبر ندارند و مبادا پای خود را به زمین بکوبند تا آنچه از

زینتشان پنهان است، ظاهر شود. و ای گروه مومنان! همگی بسوی خدا توبه کنید شاید رستگار شوید».

«در آیه فوق چهار حکم بیان شده است:

۱- زنها نباید زینتهای پنهان خود را (مانند گوشواره، خلخال، موی سر، لباسهای زینتی) آشکار نکنند، مگر آن مقدار که طبیعتاً آشکاراست (مانند انگشتر، خضاب دست و...).

۲- باید دامنه روسری یا مقنعه را بر روی سینه و گردن بیندازند.

۳- زینتهای خود را فقط برای دوازده نفر می توانند آشکار کنند (البته عمو و دایی در آیات دیگر آمده است).

۴- موقع راه رفتن پاهای خود را بر زمین نزنند تا زینتها آشکار شود (وباعث جلب توجه نامحرم گردد، مثل کفشهای پاشنه بلند کنونی و خلخالهای زمان پیامبر(ص)).

«از امام ششم (ع) پرسیدند: کدام قسمت بدن زن برای نامحرم دیدنش حلال است؟ فرمود: صورتش و دو پایش و دو دستش».

زن گوهری است که باید خود را از دستبرد نامحرمان دور نگه دارد. زنی که با حجاب در کوچه و خیابان ظاهر می‌شود، هم ارزش خود را بالامی‌برد و هم آسیبی به سلامت روانی و اخلاقی جامعه وارد نمی‌کند. و خانمی که رعایت حجاب اسلامی را نمی‌کند هم ارزش خود را پائین می‌آورد و هم مانند میکربی است که دیگران را آلوده و مریض می‌کند. شهید مطهری نظراتی در مورد حجاب دارد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

«ریشه اصلی واجب بودن پوشش برای زن در اسلام، این است که اسلام می‌خواهد انواع لذت‌های بصری و لمسی و انواع دیگر لذت جنسی، محدود به محیط خانواده و در کادر ازدواج اختصاص یابد و اجتماع منحصراً برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی که کار و فعالیت را با لذت جوئی‌های جنسی، بهم می‌آمیزند».

«اسلام نمی گوید که زن از خانه بیرون نرود و نمی گوید که حق تحصیل علم و دانش را ندارد، بلکه علم و دانش را فریضه مشترک زن و مرد دانسته است. اسلام فعالیت اقتصادی خاصی را برای زن تحریم نمی کند. اسلام هرگز نمی خواهد زن بیکار و بی عار بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار آید. پوشاندن صورت و دستها، مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است، آلوده کردن محیط کار به لذت جوئی های شهوانی است».

یکی از ایرادات به مسئله حجاب این است که حجاب موجب **سلب حق آزادی** که یک حق طبیعی بشری است می گردد و نوعی توهین به حیثیت انسانی زن بشمار می رود. در جواب باید گفت که فرق است بین زندانی کردن زن و بین موظف داشتن او به اینکه در مواجهه شدن با مردیگانه، پوشش داشته باشد. اگر رعایت پاره ای از مصالح اجتماعی، زن یا مرد را مقید سازد که در معاشرت روش خاصی را اتخاذ نمایند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را بر هم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند، چنین مطلبی را زندانی کردن و سلب

آزادی نمی‌نامند. چطور اگر مردی با بدن برهنه از خانه بیرون
آید، پلیس جلو او را می‌گیرد و به‌عنوان عمل منافی حیثیت
اجتماعی او را جلب می‌کند، این کار پلیس راضد آزادی و
زندانی کردن، تلقی نمی‌کنند!
رسول خدا(ص) در معراج، در هنگام بازدید از جهنم دیدند
که:

«زنی را به موی سرش آویزان کرده بودند و او مغز
سرش را می‌جوید! از جبرئیل در باره او پرسیدم
فرمود: او در دنیا موی سر خود را از نامحرم
نمی‌پوشانده است.»

۶- نگاه و چشم چرانی

اگر زن و مرد بتوانند کنترل چشم خود را بطور صد در صد
در اختیار داشته باشند، از بسیاری از گناهان و انحرافات مصون
می‌مانند. لذا خداوند فرموده است:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا
أَرْوَاحَهُمْ ذَلِكُمْ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ.
وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ
أَرْوَاحَهُنَّ».

«به مردان مؤمن بگو که چشمان خود را بپوشانند و اندامهای خود را از حرام حفظ کنند که این برایشان پاکیزه‌تر است. و به زنان مؤمنه بگو که چشمهای خود را بپوشانند و اندامهای خود را از ناروا حفظ نمایند».

در حدیث از پیامبر (ص) است که فرمود:

«لکل عضو من ابن آدم حظ من الزنا فالعين زناه النظر»

«هر یک از اعضای فرزندان آدم حظ و بهره‌ای از زنا دارد که زنان دو چشم نگاه کردن است».

در عصر ما برّنده‌ترین اسلحه دشمن، تصاویر غیر اخلاقی است. انسانها برای اینکه از طریق چشم لذت ببرند، پوله‌ای زیادی را صرف تهیه تصاویر مستهجن چه از طریق ماهواره و چه از طریق اینترنت و ویدئو و ابزارهای دیگر می‌نمایند.

و هنگامی که چشم این صحنه‌ها را دید، دلش هوای آن را می‌کند و ای بسا که زمینه انحرافات دیگر را فراهم کند.

گاهی برای شخص این گونه تصور می‌شود که می‌توان همچو گناهانی را در این کشور و در این شهر انجام داد. بدنبال

افراد مثل خود می‌رود و مجالس پارتی و رقص و غیره تشکیل می‌دهد و مقدمه‌ای می‌شود برای مفساد و انحرافات بزرگتر.

بعنوان مثال باندی را گرفتند که دختران و پسران را به محلی که انواع مفساد در آنجا مهیا بود، دعوت می‌کردند. سپس در حالی که آنان به شهوات نامشروع مشغول می‌شدند، از آنها فیلم و عکس تهیه می‌کردند و بعد از چند روز سراغ او می‌رفتند و می‌گفتند که ما فیلم کارهای خلاف شما را داریم. باید این مبلغ را بما بدهی و الا این فیلم را در اختیار پدر و مادر و همسر و دیگر اقوامت قرار می‌دهیم! و خلاصه وارد معرکه‌های خطرناکی می‌شوند که در آن قتل و تجاوز و تهدید و سرقت و غیره چیز عادی بشمار می‌رفت ..

**ز دست دیده و دل هر دو فریاد هر آنچه دیده بینه
دل کنه یاد**

**بسازم خنجری نیشش ز فولاد زخم بر دیده تا دل
گردد آزاد**

رسول خدا (ص) فرمود:

«الْأَنْظَرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهْلِ أَمِّ ابْلِيسَ».

«نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای مسموم شیطان است».

گفته‌اند شخصی بود چشم‌چران که درب مغازه خود در حالی که به هرزن و دختری که عبور می‌کرد تا جایی که می‌توانست نگاه می‌نمود، ذکر لا اله الا الله می‌گفت! یک روز یک نفر مشتری نزد او آمد و از این حالت مغازه‌دار با خبر شد. جنسی را خواست و مغازه‌دار رفت تا جنس را بیاورد. در این حین خانمی عبور کرد. مغازه‌دار جنس را آورد و دست‌مشتري داد. مشتری گفت: شما که رفتید این را بیاورید، یک لا اله الا الله عبور کرد!

او جواب داد: عجب سبحان الله!

پیامبر (ص) فرمود:

«اگر از آسمان بیفتیم و دو نیم شویم برایم بهتر است که به عورت شخصی نگاه کنم یا شخصی به عورت من نظر نماید!».

۷-زینت و آرایش:

اگر چه خود آرایي غريزه طبيعي زن و مرد است ولي اين غريزه در زن بيشتر است و دوست دارد كه زيبيائي او مورد توجه قرار گيرد. آثار اين غريزه را مي توان در آراستن لباس، آرايش مو، انتخاب لباسهاي نازك و رنگهاي مهيّج وغيره مشاهده نمود.

از نظر اسلام زينت و تجمل زن بايد فقط براي شوهرش باشد. او در مقابل شوهرش مي تواند زيباترين لباس و غليظ ترين آرايش را بكار برد و هر دفعه از نوعي زينت و خودنمائي استفاده نمايد. حتّي 'مي تواند خود را در مقابل او برهنه كند. براي شوهرش بر قصد و... و در اين راه محدوديتي وجود ندارد و اما آرايش و زينت براي غير شوهر مخصوصاً در خارج از خانه، براي او حرام و ممنوع مي باشد.

در حديث نبوي است كه در معراج وقتي پيغمبر (ص) از جهنم ديدار كرد، افرادي را ديد كه معذبند از جمله فرمود:

«زني را ديدم كه گوشت بدن خود را مي خورد. از جبرئيل در باره او سؤال كردم. فرمود: او در دنيا خود را براي ديگران آرايش مي نموده است. زني را

دیدم که گوشت بدنش را می برید! فرمود: او زنی بود که خود را به مردان عرضه می کرد.»

همچنین در روایات از اینکه زن عطر زده از خانه خارج شود، منع شده است از جمله پیغمبر اکرم (ص) فرمود:

«هر زنی که عطر بزند و از خانه خارج بشود، تا زمانی که برگردد در لعن ملائکه خواهد بود.»

۸- شبیه کردن زن خود را به مردان:

پوشیدن لباسهای مردانه به تهیج قوای جنسی زن و مرد کمک می کند. زن شایسته است در برابر مردان و پسران (غیر از شوهر) لباسهایی بپوشد که برجستگیهای بدن او را بپوشاند.

حال اگر زنی لباسهای مردانه بپوشد، آنوقت چشمهای زیادی را بطرف خود جلب می کند و باعث فتنه های زیادی می شود. بطوری که گاهی بعضی از محارم مثل برادر و دایی و غیره را تحت تأثیر خود قرار داده و کار به جاهای باریک می کشد و آبروهای خیلی را برباد می دهد! همان گونه که در کشورهای غربی، از ناحیه پدر و مادر و بقیه محارم، ارتباطات نامشروع با فرزندان برقرار کرده اند.

۹- خلوت با نامحرم:

با توجه میل زن و مرد به جنس مخالف، هر کجا که این دو تنها باشند، باعث تهییج غریزه جنسی شده و زمینه اعمال خلافی را فراهم می کند. پیغمبر اکرم (ص) فرمود:

«إِيَّاكُمْ وَمُحَادَثَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّهُ لَا يَخْلُو رَجُلٌ بَاءَ مَرْأَةٍ لَيْسَ لَهَا مَحْرَمٌ إِلَّا هُمْ بِهَا».

«پرهیزید از سخن گفتن با زنان! زیرا اگر مردی با زنی نامحرم (بدون حضور شخصی از محارم) خلوت کند، بطرف آن زن تحریک می شود و به او رغبت می کند».

حتی در احکام شرعی است که اگر در مسجدی فقط یک مرد و یک زن هستند، نباید آنجا نماز بخوانند زیرا خلوت با نامحرم ممنوع است.

این محدودیتها بمنزله ریاضت نیست بلکه شخص میتواند از راهای صحیح با جنس مخالف خود ازدواج کند و هر چقدر که بخواهد از لذتهای جنسی شرعی استفاده نماید.

پس می‌توان نتیجه گرفت که احکام اسلام برای ریاضت نیست و یک جوان می‌تواند غریزه جنسی خود را با رعایت شرائط اسلام، اطفاء نماید. از انواع نوشیدنی‌های لذیذ بغیر از مست‌کننده‌ها استفاده نماید.

در زمینه پوشش می‌تواند با رعایت چند نکته از بهترین لباسها استفاده کند: ۱- لباس مشهور نپوشد. یعنی لباسی که باعث انگشت ناماشدن شخص میشود. مثلاً فرض کنید جوانی کت و شلوار کاملاً سفیدی بپوشد و کلاه شاپو هم بر سر بگذارد و با کفشهای آنچنانی در خیابانهای جنوب تهران ظاهر شود!

۲- لباس غربی که تمایل فرد را به فرهنگ غرب نشان می‌دهد نپوشد که می‌توان به پوشیدن کراوات و گردنبند طلا و پاپیون و.. اشاره کرد.

زنان پاکدامن

«یا مریم ان الله اصطفیک و طهرک واصطفیک علی

نساء العالمین»

آل عمران ۴۲

ای مریم! خداوند تورا برگزید و پاک قرار داد و تورا
بر زنان عالم (عصر خودش) برتری داد.

از القاب حضرت فاطمه (س) **زکيه و نقيه و طاهره**
است که بمعنای پاک از رذائل اخلاقی است. زنی که حداقل
زیباترین خانم مکه و مدینه بود و از نور صورت او، بهشت
فردوس روشن بود، با پاکی و دوری از رذائل اخلاقی به مقامی
رسید که ملائکه با او سخن گفتند و بشارت برگزیدگی او بر
تمام زنان عالم از اول تا آخر را دادند.

هرگز کسی نظیر تو پیدا نمی شود هم تا کسی به عصمت کبری
نمی شود ای کوثری که خیر کثیر از وجود توست اسلام جز به
فیض تو احیاء نمی شود

هر چند دختران دگر داشت مصطفی هر دختری که ام ایها
نمی شود

مَنْتَ ز خلقت تو خدا بر نبی نهادای گوهری که مثل تو پیدا
نمی شود.

در حدیثی از امام صادق (ع)، رسول خدا (ص) اینگونه
توصیف شده است: از همه کس، حکیمتر و داناتر و بردبارتر

و شجاعت و عاقلتر بود. هرگز دستش به زنی نامحرم نرسید
و سخاوتمندترین مردم بود.

پاکدامنی جنسی در قرآن

در سوره مؤمنون یکی از اوصاف مؤمنین را پاک
بودن از حرام جنسی ذکر کرده است.

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ» مؤمنون

۵

مؤمنین رستگار شدند... آنان که عورت خود را از
حرام حفظ می نمایند.

همچنین در سوره نور می فرماید:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ
ذَٰلِكُمْ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنْ اللَّهُ خَيْرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. وَقُلْ
لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ».

«به مردان مؤمن بگو که چشمان خود را بپوشانند و اندامهای
خود را از حرام حفظ کنند که این برایشان پاکیزه تر است. و
به زنان مؤمنه بگو که چشمهای خود را بپوشانند و اندامهای
خود را از ناروا حفظ نمایند».

قوم لوط وقتی که مقاومت لوط و خانواده او را در مقابل کارهای زشت آنها دیدند به آنها گفتند: «فما کان جواب قومہ الا ان قالوا اخرجوا آل لوط من قریتکم. انہم أناس یتطہرون» نمل ۵۶

خانواده لوط را از دهکده تان اخراج کنید زیرا اینها پاکیزه خویی می نمایند. (و حاضر نیستند اعمال زشت ما را انجام دهند)

یوسف پاکدامن

«حضرت یوسف (ع) از پاکان روزگار بوده است که با وجود مهیا شدن انواع وسایل فسق و فجور از طرف زلیخا و دیگر زنان ماهر و مصر، در پیشگاه الهی عرضه داشت: «رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه»

یوسف ۳۳

خدایا! زندان در نزد من از آنچه اینان می خواهند بهتر

است.

او زندانی شدن جسم و آزادی روح را بر آزادی
جسم و زندانی شدن روح ترجیح داد. لذا خداوند پس از این
آزمایش بسیار سخت، مقام و پادشاهی به او عنایت نمود.
آفرین بر آنکه جند جهل را گشت و غالب کرد جند عقل را
جند عقلش گشت چون غالب به جهل می شود نزد خدا، از اهل
فضل

چون زلیخا صورتان کم نیستند یوسفان در آتش و غم زیستند
ای زلیخا! یوسف آزاری مکن! جای پاکی ها تبهکاری مکن!

فصل دوم:

- خیمه عس فاف (فارسی) - حسین کریمی ص ۱۳۶ :

جلوگیری از لمس اندام نامحرم و دست دادن به یکدیگر یکی از راه های
پیشگیری از آلوده شدن به منجلاب شهوت رانی اجتناب از هر گونه لمس اندام
نامحرم و دست دادن به یکدیگر است که در حرمت آن هیچ گونه اختلافی بین
علمای اسلام نیست. ابی بصیر عن ابی عبد الله (علیه السلام) . قال قلت له هل
یصافح الرجل المرأة لیست بذات محرم ؟ ! فقال (علیه السلام) : لا الا من وراء
الثوب ، ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرده اند که : آیا دست
دادن مرد به زن نامحرم جایز است ، فرمود جایز نیست مگر از روی لباس { * }
هامش) * ۱ . وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، باب ۱۱۵ ، ابواب مقدمات نکاح ، ص ۱۵۱
، ح ۱ . (*) / صفحه ۱۳۷ / . تردیدی نیست که در اثر لمس اندام نامحرم

و اتحاد حرارت بدن مرد وزن بیگانه ، زمینه برای روحیه شهوت رانی و روابط نامشروع فراهم می گردد برای اثبات این مدعا به یک نمونه دیگر که خود شاهد آن بوده ام می پردازم : از لمس اندام تا بزرگترین جنایت در سال ۱۳۶۸ شمسی در شهر قم جریان مردی را که سر او را بریده و اندامش را با ضربات کارد شکافته بودند به دادگستری کشیده شد . بعد از پیگیری و بازپرسی مشخص شد که قاتل از بستگان مقتول است و جریان قتل به توطئه همسر مقتول که رابطه نامشروع با قاتل داشته عملی شده است . کیفیت قتل به اقرار همسر قاتل به این شکل بوده است : در یکی از شب های زمستان قاتل به منزل پسر عمه خودش که بعدا مقتول شده می رود . صاحب منزل مهمان را به زیر کرسی خود راهنمایی می کند . در اثنای شب نشینی پای مهمان به پای زن صاحب خانه اصابت کرده ، از همان جا جرقه شهوت در دل هر دو شعله کشید و رفته رفته منجر به عشق مفرط و برقرار کردن رابطه نامشروع و انجام ده ها مرتبه عمل منافی عفت می گردد و چون زن شوهر خود را مزاحم آزادی خود می بیند دوستش را تحریک می کند که او را به قتل برساند . تا این که روزی او را با کارد مخصوصی در کمد منزل جای می دهد و وقتی که شوهرش می آید زود غذای او را می دهد و او را می خواباند که بعدا درب کمد را باز کند و با کمک وی شوهر را بکشد ، برنامه مقدماتی انجام می شود شوهر ناگهان صدای سرفه از درون کمد اتاق پذیرایی به گوشش می رسد . درب کمد را باز می کند ناگهان مواجه با پسردایی خود می شود ، در اولین اقدامات دفاعی قاتل او را با ضربات کارد از پا در می آورد و بعد سر او را جدا می کند و با کمک همسر

مقتول اندام خود را می شوید و با هم از منزل بیرون می روند و روز بعد هنگام صبح، زن مقتول وارد منزل می شود و فریاد و جنجال به پا می کند که: آه، دیشب در منزل نبودم دزد وارد خانه ما شده و مقداری اموالمان را برده و شوهرم را کشته است لکن در جریانات بازپرسی حقیقت آن طور که گذشت روشن شد. سرانجام قاتل به صد ضربه شلاق و اعدام وزن به سنگسار شدن محکوم شد که حکم صادره در ملأ عام به اجرا در آمد. می بینید که یک بر خورد بدنی چه توفانی به پا می کند و انسان را در چه منجلابی قرار می دهد و او را از هر درنده ای قسی القلب تر می سازد و سرانجام به اشد مجازات گرفتار می سازد. از این نوع پرونده ها و جریانات هولناک که ابتدای آن از یک مزاح یا لبخند و یا بر خورد بدنی و یا خلوت شروع شده زیاد است. بزرگان / صفحه ۱۳۸ / خانواده باید مراقب نوامیس خود باشند، آداب اسلامی را در معاشرت ها رعایت نمایند، و از مجلس های مختلط و برخوردهای نامشروع اجتناب کنند، رعایت حجاب اسلامی نمایند، خانم ها از زینت برای غیر شوهر خودشان اجتناب کنند و امر به معروف و نهی از منکر را رعایت نمایند تا این که به این صحنه های خطرناک مبتلا نشوند. من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم * تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال البته مقصود این نیست که هر بر خورد جزئی دارای چنین نتایج رسوا کننده ای است و یا هر مجلس مختلط، خنده، مزاح، آرایش و امثال آن علت تامه برای این قبیل جنایات هولناک است بلکه مراد این است که این امور زمینه سازند و کافی است از هر هزار مورد یکی به این نتایج برسد.

«و به زنان با ایمان بگو: چشم از نگاه به مردان اجنبی فروبندند و عفت خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آنچه آشکار است، ظاهر نسازند، و باید اطراف روسریهای خود را به سینه‌هایشان ببندازند و زینت خویش را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان یا پدران و پدرشوهران یا پسران و یا پسر شوهران و یا برادران و یا خواهرزادگان و یا برادر زادگان و یا زنان و یا غلامان و یا افراد ناتوان از شهوت همچون پیرمردان که به زنان تمایلی ندارند و یا کودکانی که از اسرار زنان خبر ندارند و مبدا پای خود را به زمین بکوبند تا آنچه از زینتشان پنهان است، ظاهر شود. و ای گروه مومنان! همگی بسوی خدا توبه کنید شاید رستگار شوید».

«در آیه فوق چهار حکم بیان شده است:

۱- زنها نباید زینتهای پنهان خود را (مانند گوشواره، خلخال، موی سر، لباسهای زینتی) آشکار نکنند، مگر آن مقدار که طبیعتاً آشکار است (مانند انگشتر، خضاب دست و...).

۲- باید دامنه روسری یا مقنعه را بر روی سینه و گردن ببندازند.

۳- زینتهای خود را فقط برای دوازده نفر می‌توانند آشکار کنند (البته عمو و دایی در آیات دیگر آمده است).

۴- موقع راه رفتن پاهای خود را بر زمین نزنند تا زینتها آشکار شود (و باعث جلب توجه نامحرم گردد، مثل کفشهای پاشنه بلند کنونی و خلخالهای زمان پیامبر^(ص)).

«از امام ششم^۷ پرسیدند: کدام قسمت بدن زن برای نامحرم دیدنش حلال است؟ فرمود: صورتش و دو پایش و دو دستش».

زن گوهری است که باید خود را از دستبرد نامحرمان دور نگه دارد. زنی که با حجاب در کوچه و خیابان ظاهر می‌شود، هم ارزش خود را بالا می‌برد و هم آسیبی به سلامت روانی و اخلاقی جامعه وارد نمی‌کند. و خانمی که رعایت حجاب اسلامی را نمی‌کند هم ارزش خود را پائین می‌آورد و هم مانند میکربی است که دیگران را آلوده و مریض می‌کند.

بی‌حجابی مبدأ بی‌عفتی است بدنگاهی علت هر ذلتی است

۴- کتابها و نشریات و فیلمهای فاسد

عده‌ای از نویسندگان و فیلم‌سازان با نوشتن کتابهای فاسد جنسی و ساختن فیلمهای مستهجن به فساد جوانان و افراد جامعه کمک بزرگی می‌نمایند! در سال ۱۳۸۱ از کل کتابهایی که در ایران منتشر شدند فقط سی درصد آن سالم تشخیص داده شدند و بقیه به نحوی در اشاعه فساد جنسی نقش داشته‌اند! همچنین فیلمهای سینمایی ساخته شده نیز به دودسته تقسیم شده‌اند. فیلمهایی که سالم و مفید بود و با دیدن آنها هر ایرانی مسلمان احساس غرور می‌نماید و متأسفانه فیلمهایی که منحرف‌کننده بوده و جوانان را به شهوات و مفاسد بطور غیر مستقیم دعوت می‌کند

۵- کانونهای فساد

جشن‌ها و مهمانی‌های آلوده از مقدمات ارتباطات نامشروع است. مخصوصاً در میان طبقات هنرمندان و ورزشکاران که به بهانه‌های موفقیت آنها در فلان بازی، مجالس مختلط برپا می‌شود و این افراد هم چون بنیه مذهبی شان ضعیف بوده و ارتباطشان با مسجد و نماز و معنویات کم است، زودتر بدام افراد منحرف می‌افتند. همانگونه در خبرها بود که چندین نفر از اعضای تیم ملی فوتبال و بعضی از هنرپیشگان مشهور و بعضی از هنرمندان سینما، در محافل فساد دستگیر شدند.

افرادی که می‌خواهند پاک زندگی کنند نباید به این مجالس بروند و باید پای خود را بر این محافل ببندند و شرکت در این کانونها را بر خود حرام نمایند تا از آثار مخرب آن و عواقب بعدیش دور بمانند.

۶- خلوت با نامحرم و هم سخن شدن با او

با توجه میل زن و مرد به جنس مخالف، هر کجا که این دو تنها باشند، باعث تهییج غریزه جنسی شده و زمینه اعمال خلافی را فراهم می‌کند. پیغمبر اکرم^۶ فرمود:

«بپرهیزید از سخن گفتن با زنان! زیرا اگر مردی با زنی نامحرم (بدون حضور شخصی از محارم) خلوت کند، بطرف آن زن تحریک می‌شود و به او رغبت می‌کند».

۷- ترک ازدواج

عده‌ای از افراد فقط بدن‌بال آزادی جنسی می‌باشند و ازدواج باعث مقید شدن آنان می‌گردد، لذا این عده بخاطر محدود نشدنشان از ازدواج خودداری می‌کنند، با اینکه برخلاف اکثر دختران و پسران ایرانی که بخاطر مشکلات اقتصادی نمی‌توانند ازدواج نمایند، عده مذکور از امکانات مادی بالا هم برخوردار می‌باشند ولی چون تابع تمدن غرب هستند و در غرب هم بسیاری از مردان و زنان بدون ازدواج زندگی می‌کنند و نیازهای جنسی خود را بدون ازدواج اطفال می‌نمایند، این افراد هم می‌خواهند از الگوهای منحرف خود تبعیت کرده لذا ازدواج نمی‌کنند و ارتباطات نامشروع هم خود و هم دیگران را به انحراف می‌کشانند.

۸- زینت و آرایش زن

اگر چه خودآرایی غریزه طبیعی زن و مرد است ولی این غریزه در زن بیشتر است و دوست دارد که زیبایی او مورد توجه قرار گیرد. آثار این غریزه را می‌توان در آراستن لباس، آرایش مو، انتخاب لباسهای نازک و رنگهای مهیج و غیره مشاهده نمود.

از نظر اسلام زینت و تجمل زن باید فقط برای شوهرش باشد. او در مقابل شوهرش می‌تواند زیباترین لباس و غلیظ ترین آرایش را بکار برد و هر دفعه از نوعی زینت و خودنمایی استفاده نماید. حتی می‌تواند خود را در مقابل

اوبرهنه کند. برای شوهرش برقصد و... و در این راه محدودیتی وجود ندارد و اما آرایش و زینت برای غیر شوهر مخصوصاً در خارج از خانه، برای او حرام و ممنوع می باشد.

۹- دیدن روابط جنسی دیگران

دیدن عمل جنسی باعث انحراف جنسی تماشاگر می شود مخصوصاً اگر تماشاگر دختر و پسر مجرد تازه به سن بلوغ رسیده باشند. لذا باید در هنگام حضور نوجوانان در منزل و خانه و محل، والدین مواظب اعمال جنسی خود باشند. «امام صادق (ع): در خانه ای که طفلی وجود دارد، با همسر خود مقاربت نکنید، که آن طفل زناکار می شود و یا فرزندیکه بدنیا می آید، زناکار می شود.»

۱۰- لباس و غذای نامناسب

گاهی نوع لباس و نوع غذا در تحریک انسان مخصوصاً نوجوانان تازه بالغ، اثرات تحریک کننده دارد: لباس «لباسهای چسبان مخصوصاً شورت و مایو». غذا «غذاها و میوه هایی چون موز، پیاز، سیر، فلفل، شیرینی، زعفران، وانیل محرک می باشند».

فصل سوم: آثار مخرب ناپاکی در جامعه و خانواده

کارهای خلاف عفت و پلید از جهت مفاسدی که بر آنها بار است، حرام شده‌اند و الا خداوند نمی‌خواهد که انسان به سختی بیافتد و یا ریاضت بکشد!

«امام رضا (ع): زنا برای این حرام شده است که در آن فساد است. فسادهایی چون قتل انسان، از بین رفتن نسب‌ها، ترک تربیت کودکان، فساد در ارث و امثال این مفاسد.»

- خیمه عفاف (فارسی) - حسین کریمی ص ۱۳۳ :

در سال ۱۳۶۴ در حوزه قضائی قم در جاده اصفهان، نیمه شب مردی را در اتومبیلش در کنار همسرش سر بردند. بعد از هفت ماه پیگیری به وسیله بازپرس دادسرای عمومی قم مشخص شد که این قتل فجیع به توطئه همسر مقتول توسط دوست نامشروع وی انجام شده است. بعد از مشخص شدن امر قاتل و یاران قاتل همگی دستگیر شدند. مقتول مردی زیبا و رشید و تکنسین کارخانه ذوب آهن و پسر عمه همسر خود بود. قاتل مردی از آوارگان جنگی آبادانی، سیاه چهره و بداندام. همسر مقتول زنی ۲۷ ساله و دیپلمه، کیفیت قتل طبق اعتراف و اقرار وی از این قرار است: روزی برای مراجعه به دندان پزشکی از محل سکونت من (فولاد شهر) به مقصد اصفهان سوار اتومبیلی شدم، در موقع پیاده شدن هنگام پرداخت پول، * (هامش) * ۱. کتاب خصال باب خصال سه

گانه ح ۱۱۷. ۲. این جریان در زمانی واقع شد که این جانب ریاست دادگستری قم را عهده دار بودم ، آنچه را می نویسم خلاصه اعترافات بزه کارانی است که خود از آنها شنیده ویا از پرونده آنان استخراج کرده ام . (*) / صفحه ۱۳۴ /

دستم به دست راننده خورد . جرقه ای شهوت انگیز در دلم شعله کشید ، قرار شد راننده صبر کند و مرا برگرداند ، در مراجعت جو خلوت ، توأم با سابقه قبلی ما را گرفتار مذاکرات نامشروع نمود ، سرانجام با هم دوست شدیم وقرار بر این شد که روزها بعد از ساعاتی که شوهرم به محل کار خود می رود به منزل من بیاید ، این قرار عملی شد و به مدت دو سال با هم رابطه داشتیم و متجاوز از صدبار عمل منافی عفت انجام دادیم و چون شوهرم را مزاحم دیدیم : بارها پیشنهاد کشتن او را به رفیقم دادم تا بعد از کشتن او با هم ازدواج رسمی کنیم .

چند بار نقشه قتل او را ریختیم عملی نشد تا این که برای آخرین بار که شبانه عازم تهران بودیم ، او را تحریک کردم که دنبال ما حرکت کند و یکی دو نفر را با خود همدست کند و همراه بیاورد . و وقتی دستمال های کاغذی مجاله شده را از شیشه اتومبیل بیرون انداختم مهیا شوند . در آن هنگام ماشین را به بهانه دل درد متوقف می کنم . آنها پیاده شوند و شوهرم را بکشند . وی مصمم شد که به دستور من عمل کند . طبق برنامه ای که گفته شد با کمی فاصله دنبال ما حرکت کردند ، به بهانه دل درد ، شوهرم را در پارکینگ متوقف کردم . بلا فاصله اتومبیل قاتل ، پشت سر ما ایستاد ، وی با دو نفر از همدستانش با چهره نقاب زده پیاده شدند ، یکی از دوستان قاتل همسرم برای رد گم کردن وعادی جلوه دادن امر ، فلاکس آب را روی کاپوت ماشین گذاشت و کنار آن ایستاد و ما را

تماشا می کرد ، قاتل با فشار به دستگیره از درب عقب با یکی دیگر از همدستانش وارد اتومبیل شد ، شوهرم را به طرف عقب اتومبیل کشیدند . شوهرم خیال می کرد برای بردن مال اقدام به این کار کرده اند ، پیشنهاد کرد که سوپرج اتومبیل را می دهم به من و همسرم کاری نداشته باشید ، اتومبیل را با آنچه دارم ببرید آنها اعتنا نکردند رفیق قاتل دستهای شوهرم را به طرف عقب کشید و قاتل با / صفحه ۱۳۵ / کارد سر او را از بدن جدا کرد و من که خوشحال ، شاهد صحنه بودم به آنان گفتم زود از صحنه خارج شوید . بعد از رفتن آنها پیاده شدم و اتوبوسی را متوقف کردم و با داد و فریاد به سرنشینان آن گفتم سه نفر نقاب زده آمدند و شوهرم را کشتند . جریان به پا سگاه کشید و بعد هم برای شوهرم سیاه پوش شدم و مجالس ترحیم گرفتم و در این مدت (هفت ماه) با قاتل رابطه نامشروع به طور آزاد داشتیم . از او سؤال کردم : آیا در زندگی با شوهرت اختلاف داشتید ؟ جواب داد : هرگز اختلافی نداشتم . شوهرم مردی مهربان و مؤدب بود و حتی مهمان بدون اجازه من نمی آورد و در مدت دوازده سال که با هم زندگی کردیم یک مرتبه هم با من به درستی سخن نگفت ، حقوق ماهیانه اش را در اختیار من قرار می داد ، من را بسیار دوست می داشت و هیچ گونه کمبودی از نظر جمال و کمال در وی نبود . از وی سؤال کردم : پس چرا به چنین جنایتی اقدام کردی ؟ جواب داد : پاسخی برای این سؤال ندارم ، خودم هم نمی دانم چرا سر از این وادی در آوردم و الان تحت فشار وجدانم قرار دارم که چرا بعد از دوازده سال زندگی با داشتن یک دختر هشت ساله و آن همه محبتی که از شوهرم دیدم به چنین روزی گرفتار شده ام . دادگاه کیفری یک قم قاتل را که

مردی مجرد بود به عنوان حد عمل منافی عفت ، صد ضربه شلاق زد و به عنوان قصاص وی را اعدام نمود و همسر مقتول را به عنوان حد شرعی به سنگسار نمودن محکوم نمود . حکم صادره در باره آنان به اجرا در آمد و آن شخص که دست های مقتول را گرفته بود به حبس ابد و دیگری که نگهبانی می کرد طبق متون فقهی به کور شدن چشم محکوم شد . ملاحظه می فرمائید که از یک خلوت با نامحرم و برخورد دست آنان به هم چه جنایات هولناکی پدید آمد و سرانجام برای لذت چند روزه به مجازات های دنیا و آخرت گرفتار شدند.

«امام علی(ع):خدا ترک زنا را واجب نمود بخاطر حفظ نسلها و ترک لواط را حرام نمود بخاطر زیاد شدن نسلها.»
می توان آثار زیر را از عوارض زیانبار انجام اعمال نامشروع و پلید در جامعه دانست:

۱-پیدایش هرج و مرج در روابط خانواده

در جوامعی که براساس اباحی گری و آزادی وبی و بند باری ،روابط جنسی وجود دارد،آثار مخرب و ویران کننده ای به وجود می آید که ازدید جامعه شناسان و حتی سیاست مداران پنهان نمانده است لذا گاهی به این مسئله اعتراف دارند که علت این مشکلات و معضلات روز افزون جوامع غربی ،عدم اعتنا به مقررات الهی در روابط

جنسی است. پاپ به عنوان رهبر مسیحیان جهان در سالهای اخیر مرتب در بیانیه ها و سخنرانی ها به این مطلب اشاره نموده است و از رؤسای کشورهای مختلف مسیحی خواسته است که فرزندان حرام را قانونی ندانند! اما تاکنون نه تنها به این هشدارها و موعظه ها اعتنایی نشده است بلکه هم جنس بازان مورد حمایت دولتها بوده و دارای تشکل و صنف و اتحادیه هستند و در سال چندین بار اقدام به راهپیمایی و تجمع برای احقاق حقوق!! خود می کنند!

نتیجه تسلط شهوات بر همه امور ملتهای غربی و حضور بی قید و شرط زن برهنه و عریان در همه جا، پیدا شدن آثار مخربی است که نصیب این ملتها شده است. آثاری همچون:

۱- فساد نظام خانوادگی،

۲- افزایش آمار طلاق (یکی از دانشمندان فرانسه که چندبار هم به وزارت رسیده بود، زنش را پنج ساعت بعد از ازدواج، طلاق داد!)،

۳- تعداد کم ازدواج (در فرانسه از هر هزار نفر، هفت یا هشت نفر ازدواج می کنند)

۴- کثرت فرزندان نامشروع (در انگلستان از هر سه کودک یک نفر نامشروع است)،

۵- کشتن فرزندان نامشروع با فراغت بال (در فرانسه، دادگاه زنی را که طفلش را خفه کرده بود و چون طفل هنوز نفس می کشید سر او را بدیوار کوبیده بود و کشته بود، مجرم ندانست! همچنین رقاصه ای که می خواست زبان کودکش را از حلقش درآورد! لذا سر طفلش را زخمی کرده و شاهرگش را قطع نموده و او را کشته بود، مجرم شناخته نشد!)

۶- افزایش بیماران روانی (در امریکا از هر سه نفر یک نفر مشکل روانی دارد)،

۷- کثرت تجاوزات و جنایات و از بین رفتن اخلاق سالم در جامعه و بی اعتمادی به هم و مردن فضیلت های اخلاقی در بین اقشار مختلف مردم،

۸- از بین رفتن عاطفه و محبت،

۹- شورش و طغیان مردم،

۱۰- احساس پوچی در بین اکثر جوانان

و... همه از معضلات جوامع غربی می‌باشند.»

ما ایرانی‌های مسلمان باید از آثار مخرب فوق در جوامع غربی درس عبرت بگیریم و هرگز از آنان دنباله روی ننماییم. اگر چه متأسفانه فیلمهایی که در این کشور تولید می‌شود. روزنامه‌هایی که نوشته می‌شود. کتابهایی که منتشر می‌شود. مجلات رنگی که چاپ می‌شود اکثراً در تعریف و اشاعه فرهنگ غرب گام برمی‌دارند و عمداً یا ناخواسته رؤیای جوانان را به سفر به غرب و استفاده از آزادی‌های آنچنانی آنجا و یا آرزوی پدید آمدن حکومتی همچون حکومت‌های لیبرالی غرب سوق می‌دهند.

در حالیکه قرآن اینگونه جوامع را به جاهلیت تشبیه می‌کند و انسان‌ها را از جاهلیت بر حذر می‌دارد. قبل از آیه تطهیر، خداوند زنان پیامبر (ص) را از قرار گرفتن در مسیر جاهلیت بر حذر می‌دارد: وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةُ الْأُولَى. با زینتهای جاهلیت اولی، خود را زینت نکنید.

در تفسیر نمونه آمده است: اگر عرب در جاهلیت اولی، جنگ و غارت‌گری داشت، در عصر ما هم جنگ‌هایی رخ می‌دهد که گاهی بیست میلیون کشته و مجروح بجای می‌گذارد. اگر در جاهلیت عرب، زنان تبرج به زینت می‌کردند و روسری‌های خود را کنار می‌زدند به گونه‌ای که مقداری از سینه و گلو و گردن و گوشواره نمایان می‌گشت، در عصر ما کلپه‌هایی مانند کلپ برهنگان (نمونه آن در انگلستان) تشکیل می‌شود که افراد در آن برهنه مادرزاد ظاهر می‌شوند! اگر در جاهلیت عرب، زنان آلوده بوسیله پرچم، مشتری به خود جذب می‌کردند در جاهلیت ما افرادی هستند که بوسیله روزنامه خصوصی افرادی را بسوی کارهایی که قلم از بیان آن شرم دارد، دعوت می‌کنند.

آری در عصر رایانه و اینترنت، هزاران سایت و میلیون‌ها سی دی و دی وی دی به اشاعه پلیدی و آلودگی جنسی مشغول هستند. و این همان جاهلیت پیشرفته است. و متأسفانه کشور ما از جاهایی است که دشمن روی آن برنامه ریزی نموده است و میلیون‌ها دلار برای آلوده کردن و پلید کردن نسل جوان ایرانی

بودجه اختصاص داده و خرج می کند.ومی خواهند همان
بلاهایی که بر سر خودشان آمده ودانشمندان شان راسراسیمه
نموده است،بر سر کشور ما درآورند.وبعضی جوانان هم
بی خبر مقلد مطلق غرب هستند وخیال می کنند هرچه غرب
بگوید درست است .اینان لباس خود را براساس الگوهای غربی
می پوشند.گاه علامت صلیب هم بر آن دیده می شود.زنجر طلا
صلیب مانند بر گردن می آویزند.نوع آرایش موی سر واصلاح
صورت را بر وفق غرب انجام می دهند.موسیقی جاز وشو غربی
گوش می دهند.گاهی پارتی های غربی ترتیب می دهند.مانند
نان مشروب می خورند ومانند آنان به اختلاطهای زن ومرد
واعمال نامشروع بجای ازدواج سالم وقناعت بعهمسر شرعی
وقانونی ،روی می آورند.لذا آمار ایدز بالا می رود!

آمار طلاق بالا می رود.آمار دستگیریهای افرادی که
درخانه های فساد بسر می برند توسط نیروی انتظامی
افزایش می یابد.حتی بعضی از بازیکنان تیم ملی
فوتبال،بعضی از هنرپیشگان سینما،بعضی از مجریان

تلویزیون در خانه‌های فساد و در حال رقص و آواز
و مست و... دستگیر و رسوای گردند. باندهای هیجده
نفره روباه در تهران و باندا راك و غیره كشف و دستگیر
می شوند.

در حالی که اگر پاکدامن بودند و روابط جنسی خارج از
ازدواج را قبول نمی کردند دچار این بحرانهایی شدند. د.»
در کشور ما هم کسانی که به این اعمال پلید روی می آورند دچار
آثار زیانبار آن شده اند و از هم پاشیده شدن خانواده‌های آنها را
می توان در آمارهای دادگستری و در بالا بودن سطح طلاق
در کشورمان که یکی از علل آن همین آلودگیهاست بخوانیم.

۲- ظهور جنایات و ظلم بوسیله فرزندان حرام و بخاطر زنا!

یکی از معضلات جوامع غربی که خوشبختانه در
کشور ما وجود ندارد، فرزندان غیرقانون و با اصطلاح مردم
حرام زاده‌ها! هستند. اینان در آینده بزرگ شده و وارد اجتماع
می گردند. از نظر اسلام اگر چه یک زنازاده می تواند زندگی
طبیعی داشته باشد و از حقوق شهروندی برخوردار گردد ولی
بخاطر طبیعت ناسالمی که در فرد زنازاده وجود دارد و میل به

ناپاکی و بیدیه‌ها دارد نباید در مناصب حساس وارد شود. او نمی‌تواند مرجع تقلید و مجتهد شود. او نمی‌تواند امام جماعت گردد. او نمی‌تواند شاهد دادگاه باشد. او نمی‌تواند قاضی باشد و...

اما در غرب این افراد وارد پستهای حساس شده و از آنها افرادی مانند شارون، بوش و... بوجود می‌آید که به خون مستضعفین تشنه هستند و میل به جنایت و خیانت و فساد دارند. در تاریخ جنایتهای بزرگی بدست افراد حرامزاده انجام شده که اگر حلال زاده بودند هیچگاه این اعمال را انجام نمی‌دادند. به چند مورد از جنایتهای بزرگی که بدست افراد زناکاریا اولاد زنا بوجود آمده است، اشاره می‌شود:

شهادت حضرت یحیی (ع) به دستور یک زن فاسد

«وقتی «هیرو دیس» تصمیم گرفت تا خلاف قوانین تورات با دختر برادر خود که زن فاسدی بود، ازدواج کند، حضرت یحیی ۷ با این امر مخالفت کرد و این ازدواج را باطل اعلام نمود.

زن مزبور وقتی از مخالفت این پیامبر الهی باخبر شد، دشمنی با او را در دل گرفت و نقشه‌ای کشید. او شبی خود را زینت داد و با زیبایی کامل نزد عمویش رفت و در ساعتی که دل عمو در گرو گرفتن کام دل از این زن فاسد بود، قبول خواسته عمو را در گرو کشتن یحیی ۷ اعلام کرد. پادشاه شهوتران برای جلب رضایت این زن زانیه، دستور داد تا سربچی ۷ را برای آن زن بیاورند! مأمورین پادشاه سر حضرت یحیی ۷ را در حال عبادت بردند و داخل طشتی قرار داده برای این زن آوردند.»

یک فرزند و چند پدر!

نابغه مادر عمرو عاص، زنی منحرف و مشهوره بود. او با مردانی چون ابولهب، امیه بن خلف، هشام بن مغیره، ابوسفیان و عاص بن وائل ارتباط نامشروع داشت. بعد از تولد عمرو، هر کدام از اینها ادعا می‌کرد که عمرو فرزند اوست! ولی چون عاص کمکهای مالی به نابغه می‌کرد، این زن اعلام کرد که عمرو، فرزند عاص می‌باشد! اما ابوسفیان

می گفت: تردیدی ندارم که عمرو، فرزند من است و از آمیزش من منعقد شده است!

فرزند زن زناکار!

«زیاد که خود و پسرش ابن زیاد از جنایتکاران زمان خودشان بوده اند، از زنانی هرزه بوجود آمدند. مادر زیاد بنام سمیه از صاحبان علم! درمکه بوده است که از این راه به فسق و فجور می پرداخته است. وقتی زیاد بدنیا آمد، چون پدرش معلوم نبود، کیست، او را زیاد بن ایبه! یعنی زیاد پسر پدرش! نامیدند. زیاد و پسرش عیبالله جنایات فراوانی نسبت به خاندان پیامبر و اولیاء خدا روا داشتند.»

مادر حجاج خونخوار!

مادر حجاج زن هوسرانی بود که با مردانی غیر از شوهرش ارتباط نامشروع داشت. او مدتی عاشق جوان زیبایی بنام نذر شد و اشعار عاشقانه در وصف یار می گفت. عمر که خلیفه بود، خبردار شد و دستور داد تا سر نذر را تراشیدند و او را تبعید نمود. گفته اند حتی در هنگام آمیزش با شوهرش یوسف، بیاد نذر بود. امام ششم ۷ در باره حجاج که ۱۲۰۰۰۰

شیعه را شهید نمود فرمود: این جنایات حجاج بخاطر
آن مادر عیاش و لاأبالیش بوده است.

«پیامبر (ص) به امام حسن (ع) فرمود: آن کسیکه تورا
می کشد، فرزند زنا و فرزند پسر زنا کار است!»

«امام صادق (ع): کسیکه امام حسین (ع) را
کشت، ولد الزنا بود و کسیکه حضرت یحیی (ع) را کشت نیز ولد
الزنا بود.»

۳- اشاعه بیماریهای عجیب و غریب

امراض و بیماریهای مختلف جنسی همانند ایدز جهان
را پر کرده است زیرا فساد جنسی دنیا را پر نموده است
«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي
النَّاسِ» روم ۴۱

بخاطر اعمال مردم، فساد دنیا را چه در خشکی و چه
در دریا پر کرده است.

۴- سقط جنین و از بین بردن فرزندان حرام

باز می خوانیم که: «سالانه بیش از چهار صد هزار مورد
سقط جنین در زنان زیر بیست سال در آمریکا رخ می دهد که

اکثرأ در دختران ازدواج نکرده امریکایی است و ۷۰٪ این دختران حملات جنسی افراد و گروههای مستهجن و هرزه را تجربه می کنند!»

«در شهر نیویورک فردی که یک کلینیک روان شناسی خصوصی تأسیس کرده بود و در آن یکصد کودک را تحت نظارت و مراقبت داشت پس از آنکه متهم شد که تمامی یکصد کودک را مورد تجاوز قرار داده است به اسرائیل گریخت که متأسفانه یک سوم این کودکان آلوده به ایدز شدند...!»

آمار فوق از کشور آمریکا است و در دیگر کشورهای غربی وضع بهتر از این نمی باشد. در کشور ایران بخاطر نفوذ فرهنگ اسلامی در میان خانواده ها، خوشبختانه آمار سقط جنین و دیگر آثار مخرب در تمدن غرب، بسیار پایین بوده و اصلاً قابل مقایسه با آمار دنیای غرب نمی باشد. در عین حال باید خانواده ها هوشیار و بیدار باشند و بدانند که تهاجم فرهنگی یک مسئله بسیار جدی است و این تهاجم در حال حاضر با سرعت پایینی در حال ورود به

کشور ماست. نشانه‌های این تهاجم، وضع لباس‌های دختران و پسران، میل به اختلاط جنسی در بین بعضی از جوانان، استفاده از حدود صد هزار ماهواره در پایتخت و دیگر شهرها در منازل، وفور سی دی‌های شو و رقص غربی، رفاقت‌های نامشروع در بین بعضی از نوجوانان، دوری از مسجد و مراسمات مذهبی در بین جوانان و... علامت‌های خطری برای فرهنگ ایرانی اسلامی کشور ما بشمار می‌رود.

بازدید از جهنم در معراج!

«رسول خدا(ص): در معراج از جهنم دیدار کردم و دیدم که عده‌ای در مقابلشان گوشت خوب و گوشت مردار است. ولی آنان از مردار می‌خوردند! جبرئیل گفت: اینها حرام خوار بوده‌اند! عده‌ای را دیدم که لپهای آنان مانند شتر بود و مأمورین از پهلوی آنان مقراض کرده و درد هانشان می‌گذاشتند! جبرئیل گفت: اینها عیب جو بوده‌اند. عده‌ای را دیدم که سرشان را می‌کوبیدند! جبرئیل گفت: اینها نماز عشاء نمی‌خواندند! گروهی را دیدم که مأمورین، آتش بد هانشان گذاشته و از مخر جشان در می‌آمد! جبرئیل

گفت: اینها مال یتیم خور بوده اند. عده ای را دیدم که شکمشان آنقدر بزرگ بود که نمی توانستند برخیزند! جبرئیل گفت: اینها رباخوار بوده اند. گروهی از زنهارا دیدم که به پستانشان آویزان کرده بودند! جبرئیل گفت: اینها زناکار بوده اند. عده ای را دیدم که با نخ و سوزن آتشین، بدنهایشان را می دوختند! جبرئیل گفت: اینهانیز زناکار بوده اند... زنی را دیدم که بموی سرش آویزان کرده بودند! و مغز سرش را می جویید! جبرئیل گفت: این زن موی خود را از نامحرم نمی پوشانده است!... زنی را به پاهایش آویخته بودند! جبرئیل گفت: این زن بدون اجازه شوهر از خانه بیرون می رفته است. زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می خورد! جبرئیل گفت: این زن بدن خود را برای دیگران آرایش می کرده است! زنی را دیدم که پاهایش را بدستهایش بسته بودند و مار و عقرب بر او مسلط بودند! جبرئیل گفت: این زن غسلهای خود را نمی کرده است! زنی را دیدم که گوشت بدنش را مقراض می کردند! جبرئیل گفت: این زن خود را به مردان عرضه می کرده است! شخصی را دیدم که صورت

وبدنش را می سوزانیدند و روده های خود را می خورد! جبرئیل گفت: این شخص واسطه زنا بوده است! شخصی را دیدم که سرش مثل خوگ و بدنش مثل الاغ بود! جبرئیل گفت: این شخص سخن چینی می کرده است. شخصی را دیدم که صورتش مثل سنگ بود و آتش بر او وارد می کردند! جبرئیل گفت: او خواننده و حسود بوده است!»

ای زنان و دختران مصر! مردگان غرب شوم عصر ما هان مپندارید عالم سرسری است بعد این عالم، جهان دیگری است

که در آن بی عفتان رسواترند مبتلا بر خشم و قهر داورند.

فرق پاکدامنان با ناپاکان!

۱- فکر و ذکر پاکان در باره سلامتی خانواده و جامعه و راههای پیشرفت علمی و صنعتی و اقتصادی و نظامی و... است ولی فکر و ذکر ناپاکان، عمل زنا و لواط و استمناء بوده و اینکه امروز و امشب چه کسی را به تور بیاندازند و عمل نامشروع انجام دهند!

۲- پاکان برای خانواده و آبروی خود ارزش و اهمیت قائلند ولی ناپاکان این مسائل را قدیمی می‌دانند و ارزش خود را در ارتباط نامشروع با دیگران حتی اعضای خانواده می‌دانند و دنبال این هستند که دایره کارهای زشت خود را به میان خانواده خود بکشند و خواهر و برادر و زن‌داداش و خواهر زن و شوهر خواهر و... را آلوده نمایند.

امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع): «در آخر الزمان که نزدیک قیامت و بدترین زمانهاست، زنانی پیدا شوند که خیابان گرد، عریان، از دین بیگانه، دنباله‌رو فتنه‌ها و هوسها و پیرو شهوات و شتابان به لذتها! و حلال کننده حرامها هستند. اینها گرفتار ابدی دوزخ می‌باشند»

۳- افکار پاکان دچار اضطراب و ناراحتی و عذاب وجدان نیست ولی ناپاکان چون خلاف طبیعت و فطرت خود عمل می‌کنند همیشه دچار اضطرابند نمونه آن مصرف قرصهای خواب به مقدار زیاد در کشورهای غربی است.

۴- افراد پاک با چندبار عمل جنسی مشروع با حلال خود در طول هفته سیر و اشباع می‌شوند ولی افراد ناپاک هیچگاه سیر نمی‌شوند و با اینکه ساعات زیادی از شبانه روز را به این کار اختصاص می‌دهند ولی هیچگاه به اشباع و سیری و ارضاء کامل نمی‌رسند.

۵- افراد پاک از نظر جسمی و روحی در سلامتی مناسبی هستند و هیچگاه دچار مرض‌های خطرناکی چون «ایدز» و «سفلیس» نمی‌شوند ولی افراد ناپاک دچار انواع بیماریها و مرضها هستند!

۶- افراد پاک چنان ارزشی برای پاک ماندن خود قائلند که گاهی برای حفظ پاکی خود جان خود را از دست می‌دهند.

زن علوی

آمده است که: گروهی از سیاهان بصره، دختری علوی و سیده را گرفتند و خواستند به او تجاوز نمایند که دختر گفت: من دعائی بلدم که اگر بخوانید شمشیر بر شما اثر نمی‌کند! برای اثبات این حرفم، به هرزوری که دارید شمشیر

بر من بزنید. اگر ضربات شمشیر در من اثر نکرد بدانید که
بخاطر این دعاست.

یکی از آنها شمشیری بر زن وارد کرد و زن افتاد و مرد. آنها
تازه فهمیدند که دختر به این طریق جان خود را قربانی کرد تا دچار
بی عفتی نشود

شخصی با خانواده اش در کشتی سوار بودند که کشتی شان در وسط دریا
شکست، همه آنها غرق شدند به جز زن که او بر تخته ای بند شد و
در جزیره ای افتاد و اتفاقاً با مرد راهزن فاسقی که از هیچ گناهی
فروگذار نمی کرد، برخورد نمود. راهزن چون نظرش بر آن زن افتاد،
خواست که با او زنا کند، دید زن از ترس می لرزد. مرد فاسق پرسید: چرا
ناراحتی و برای چه می لرزی؟ گفت: از خداوند خود می ترسم، زیرا
هرگز مرتکب این عمل بدنشده ام.

مرد گفت: تو هرگز چنین گناهی نکرده ای و از خدا می ترسی، پس
وای بر من که عمری در گناهم! این را بگفت و دست از سر زن برداشت
و بدون این که کاری انجام دهد به سوی خانه خود راه افتاد، او تصمیم
گرفت که توبه کند و دیگر دست از گناه و معصیت بکشد و از کارهای
گذشته اش بسیار نادم و پشیمان بود.

وقتی به خانه می رفت در بین راه به راهبی برخورد کرد و با او همسفر
شد، چون مقداری راه رفتند هوا بسیار گرم و سوزان شد. راهب به
جوان گفت: آفتاب بسیار گرم است، دعا کن خدا ابری بفرستد تا ما را
سایه افکند.

آن جوان گفت: که من نزد خدا دارای کار خیر و حسنه نبوده و آبرو
و اعتباری ندارم، بنابراین جرات نمی کنم که از خداوند حاجتی
طلب نمایم.

راهب گفت: پس من دعا می کنم و تو آمین بگو. چنین کردند، بعد از
اندک زمانی ابری بالای سر آنها پیدا شد و آن دو در سایه می رفتند.
مدتی باهم رفتند تا به دو راهی رسیدند و راهشان از هم جدا شد، جوان
به راهی رفت و راهب به راه دیگر، و آن ابر از بالای سر جوان تائب ماند و

با او می‌رفت و راهب در آفتاب ماند. راهب رو به جوان کرد و گفت: ای جوان! تو از من بهتر بودی چرا که دعای تو مستجاب شد ولی دعای من به درجه اجابت نرسید، بگو بدانم که چه کرده‌ای که مستحق این کرامت شده‌ای؟

جوان جریان خود را نقل کرد...

راهب گفت: چون از خوف و ترس خدا ترک معصیت او کردی گناهان گذشته تو آمرزیده شده است پس سعی کن که بعد از این خوب باشی. (۴۲)

و مردانی هم بودند که هیچگاه در برابر حتی ثروتهای زیاد حاضر به آلوده کردن خود نشدند. همینطور که اکثر مردان ایرانی در زندگی خود جز با همسر شرعی و قانونی خود با زن دیگری رابطه جنسی نداشته‌وندارند.

ولی متأسفانه اکثر غربی‌ها چه زنان و چه دخترانشان به خاطر فرهنگ غلطی که دارند به آسانی و به ارزانی پاکی خود را می‌فروشند. حال می‌خواهند این فرهنگ پلید را به کشور ما همانند کشورهای دیگر وارد کنند. آنوقت دختر مسلمان گاهی تحت تأثیر شعارها و افکار آنان که طبق هوای نفس هم است واقع می‌شود و به آسانی عفت خود را از دست می‌دهد و کم‌کم به زنی فاسد و ناپاک تبدیل می‌شود. همچنین پسر مسلمان ایرانی تحت تأثیرات افراد لایبالی

و اباحی گر قرار گرفته و بزرگترین هدفش رابطه جنسی با دختران است و هیچگاه هم به یکی یادوتا قانع نمی شوند زیرا اگر کسی مهار نفسش را رها کرد آنوقت طبق فرمایش امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) غلام نفسش می شود و از حتی از غلام پست تر می گردد.

رسول خدا (ص): «زنا دارای سه اثر بد دنیوی و سه اثر بد اخروی است: اثرات دنیوی زنا عبارتند از: رسوا شدن، کوتاهی عمر و قطع روزی (روزی حلال). و اثرات اخروی آن: سختی حساب، خشم خداوند و ابدی بودن در جهنم است»

۷- اگر پاکستان، مدیریت و مسئولیت جامعه را در دست داشته باشند جامعه بطرف سعادت دنیوی و اخروی حرکت می کند. زیرا فکر پاک معجزه می کند و افکار سالم از آن بیرون می آید ولی در جامعه ای که افراد فاسد و ناپاک امور آن کشور را در دست دارند جامعه بطرف نیستی و نابودی پیش می رود. اگر نگاهی به کشور عراق ببینیم متوجه می شویم که چگونه کشوری با این همه توانائی تبدیل به ویرانه ای شد. اگر امریکا را در نظر بگیریم می بینیم و حضور

افراد فاسد در مسئولیتهای مختلف، همه روزه شاهد خراب شدن کشور و یا منطقه ای بدست این مستکبر می شویم. اگر در رأس کشور امریکا فرد پاکدامنی بودمی توانست یاور مظلومان و دشمن متجاوزین باشد ولی در حال حاضر یاور ظالمان و دشمن مظلومین است و همه روزه لعن و نفرین میلیونها نفر متوجه مسئولین این کشور است و اکثر مردم دنیا از امریکا نفرت دارند.

همچنین در انگلیس و سایر کشورهای اوپائی بخاطر ریاست افراد ناپاک روز بروز از اخلاق سالم فاصله گرفته و خانواده ها بیشترشان از هم پالشیده و بقیه هم در معرض خطر قرار دارند. ناپاکان در این کشورها از پاکیها نفرت دارند حتی از حجاب که تکه ای پارچه بر روی موی سراسر وحشت دارند.

۸- افراد پاکدامن معمولاً عاقبت خوبی در انتظارشان است و با آرامش از این دنیا می روند و بعد از مردنشان، پشت سر آنها از خوییهایشان ذکر می شود و در محافل از آنها به نیکی یاد می نمایند.

ولی افراد ناپاک گاه به سرانجام شومی کشیده
می‌شوند. به آدمکشی وقاچاق و اعتیاد و راهزنی و دزدی
و کلاهبرداری و تشکیل باند فروش دختران کشورهای جهان
سوم به خوشگذرانهای غربی و عرب و غیره منتهی می‌شود.

اخیرا در بخش اخبار تلویزیون (بهمن ۸۲) اعلام شد
که در آلمان آدمخواری که دوستش را خورده بود، دستگیر
شده که به وجود حداقل هشتصد آدمخوار اینترنتی دیگر
اعتراف کرد و عجیب تر اینکه گفت: دوستم خود از من
خواهش کرده که بروم و او را بخورم! بعد این مرد که لباس
مرتب و کراوات داشت اضافه نمود که ما آدمخوارها داریم
به بشریت خدمت می‌کنیم! زیرا جمعیت جهان زیاد شده و
بوجود ما نیاز است!

انسانهای عاقل و خردمند روا نمی‌دانند که برای اشباع
تمایلات نفسانی خود پا بر روی قوانین الهی و فطری و اجتماعی
و اخلاقی و انسانی بگذارند. بلکه نفس خود را کنترل می‌کنند
و در محدوده دین و قانون، تمایلات خود را ارضاء می‌نمایند.

بامید روزی که با برداشتن موانع ازدواج از سر راه جوانان توسط خانواده‌ها و همچنین کمک دولتمردان به اشاعه فرهنگ ازدواج با کمک‌های مالی و فرهنگی به زوجین، و آشنایی دختران و پسران با پاکی و پاکدامنی، از شیوع اعمال نامشروع جلوگیری شود و خانواده‌ها بسوی سعادت و تکامل حرکت نمایند. والسلام.

داستان پاکان

در طول تاریخ بشریت همیشه انسان‌هایی بوده‌اند که پاکی را بر پلیدی ترجیح داده و تا آخر عمر خویش از آلودگی‌ها خود را دور نموده و پاکدامن زندگی کرده‌اند. که در این بخش به داستان چند نفر از آنان اشاره می‌شود:

داستان جوانی که از گذشته عبرت گرفت!

«در زمان حکومت عبدالملک مروان، مرد تاجری بود که مردم او را به درستکاری و امانت می‌شناختند. و صاحبان کالا، اجناس خود را بطور امانت و به عنوان حق‌العمل کاری نزد وی می‌گذاشتند. اما در یکی از معاملات از مسیر درستی و امانت منحرف شد و خیانت نمود و طولی نکشید که مردم این خبر را شنیدند و آبروی چندین ساله او برباد رفت! مردم دیگر بطرف او نمی‌آمدند و او ورشکسته و زیان دیده شد. اما پسر این تاجر که جوانی فهمیده و بافراست بود، از این حادثه عبرت گرفت و تصمیم گرفت که از سرگذشت تلخ پدرش عبرت گرفته و هیچگاه خیانت نکند. او وارد بازار کار شد و پس از مدتی مردم به او اعتماد نمودند و با او معامله می‌کردند.

روزی افسری که همسایه آن تاجر زاده بود، نزدش آمد و گفت: من در حال رفتن به جنگ با روم هستم. احتمال دارد که دیگر زنده برنگردم. این ده هزار سکه طلا نزد تو امانت باشد. اگر برنگشتم، در مواقعی که همسر و بچه‌هایم محتاج هستند، به آنها بده و هزار سکه هم از این پولها مال خودت است! سپس آن افسر خداحافظی کرد و عازم‌نبرد شد. بعد از

مدتی خبر کشته شدن او به خانواده اش رسید. تاجر ورشکسته و پدر تاجر فعلی که از ده هزار سکه اطلاع داشت، نزد پسر آمد و گفت: حال که صاحب این پولها کشته شده تو بیا و مقداری از اینها را بمن بده تا رونقی به زندگیم بدهم و بعداً آن را بتو برمی گردانم! پسر گفت: پدر! تو از خیانت و نادرستی به این وضع افتادی! بخدا قسم اگر اعضاء بدنم را قطعه قطعه کنند، من در امانت خیانت نخواهم کرد و اشتباه تو را تکرار نمی کنم!

وقتی زندگی بر خانواده افسر مقتول سخت شد، نامه ای به خلیفه نوشتند و درخواست کمک کردند ولی نتیجه ای نگرفتند. این جوان از این مسئله مطلع شد و فرزندان آن افسر را خواست و به آنها گفت: پدر شما برای همچو روزی مقداری سکه نزد من گذاشته است. و سفارش کرده که هزار سکه مال من باشد و بقیه را بشما برگردانم. آنها خوشحال شده و گفتند ما دو هزار سکه بتو می دهیم. جوان پولها را به آنان داد و آنان هم دوهزار سکه به او دادند. بعد از چندی خلیفه دستور داد که از وضع آن خانواده تحقیق کردند و هنگامی که

از ماجرای امانت داری این جوان آگاه شد، دستور داد او را احضار نمودند و پُست خزانۀ داری را به او محوّل نمود!»

ابن سیرین وزن فاسد

«ابن سیرین جوان پاکدامنی بود که در مغازه پارچه فروشی کار می کرد. روزی زنی فاسد گذرش به مغازه او افتاد و تصمیم گرفت ابن سیرین را فریب دهد. او مقداری پارچه خرید و از ابن سیرین خواست که پارچه هارا برایش به خانه اش ببرد. ابن سیرین پارچه به منزل این زن برد ولی وقتی وارد خانه زن شد، زن در را از داخل قفل کرد و درخواست زنا از ابن سیرین نمود. ابن سیرین زن را نصیحت کرد و درخواست او را رد نمود ولی زن گفت که اگر بخواسته او تن در ندهد آبروی او را می برد. ابن سیرین فکری کرد و درخواست زن را قبول نمود ولی قبل آن خواست که به دستشوئی برود. وقتی داخل دستشوئی شد، از نجاستهای داخل چاه فاضلاب برداشت و سر

و صورت خود را به آنها آغشته نمود. وقتی بیرون آمد آنقدر
منظره نفرت انگیزی پیدا کرده بود که زن او را از خانه اش
بیرون نمود! ابن سیرین خوشحال به حمام رفت و خود را پاک
نمود. ولی بخاطر این پاکدامنی، خدا به او علم تعبیر خواب را
داد.»

تقوی شرف مرد بود درد و جهان بی زهد و رع کی رسد کس به جنان

مادر مرجع تقلید

«شیخ مرتضی انصاری، یکی از فقها و دانشمندان بزرگ شیعه
است. وقتی پس از سالها تحصیل و کوشش به مقام اجتهاد و
زعامت نائل آمد، مردم به مادر شیخ تبریک گفتند که فرزندان
به مقام اجتهاد و مرجعیت رسیده است.

آن مادر گفت: زحمتی که من در تربیت فرزندم کشیدم، اگر به
مقام پیامبری هم می رسید، تعجب نمی کردم، چه رسد به مقام
اجتهاد!

مردم از شنیدن این سخن تعجب کرده و گفتند: مگر در تربیت
فرزند چه کرده ای که دیگران نکرده اند؟

مادر شیخ پاسخ داد: بیان زحماتی که من در تربیت او
کشیده ام، از حوصله شما بیرون است ولی به عنوان نمونه

می گویم که هیچ گاه بدون طهارت و وضو پستان به دهانش نگذاشتم.

وقتی مادر شیخ رحلت کرد، دیدند که شیخ بر بالین مادر، زارزار می گریه. یکی از شاگردان در مقام دلجوئی گفت: جناب استاد! شما با این مقام علمی که دارید شایسته نیست بر بالین پیرزنی این گونه اشک بریزید!

شیخ در پاسخ او فرمود: شما هنوز به مقام والای مادر پی نبرده اید! تربیت صحیح و زحمات فراوان مادر بود که مرا به اینجا رسانید! «الگوهای تربیت ص ۳۶»

مادر سه قهرمان

«وقتی در قم، مادر سه شهید در تشییع فرزند سومش حاضر شده بود، در میان بانوان و در مقابل جنازه فرزند شهیدش، ایستاد و سخنرانی کرد. نخست خطاب به جنازه، این بیت را خواند:

بشکست اگر دل من بفدای چشم مست سر خُم می
سلامت، شکند اگر سبویی یعنی: امام به سلامت باشند، دل
شکسته ام به فدای چشمهای تو.

بعد چنین گفت:

پسرم! نور دیده‌ام... سومین پسرم بودی که تو را نثار راه قرآن نمودم. امروز، نخستین روز بهار به دیدار گل ارغوانی و پرپرآمده‌ام، پیکر دو برادر شهیدت را سال قبل دیدم، برای دیدار پیکر تو، نخست اجازه نمی‌دادند، ولی وقتی دیدند، صبر و استقامت من خوب است، اجازه دادند، من وقتی پیکر تو را دیدم، از ته دل خشنود شدم که (به دلخواه من شهید شدی) زیرا دلم می‌خواست تو در راه خدا قطعه قطعه شوی و چنین شد.

سپس این بانوی شجاع دستهایش را بطرف آسمان بلند کرد و چنین گفت: خدایا! تو را شکر و سپاس می‌گویم که فرزندم در این آزمایش الهی، این گونه، سرافراز و پیروز و روسفید، بیرون آمد...» «زنان مرد آفرین ص ۲۰۸»

بخاطر اطاعتش بخشیده شد

«امام صادق (ع) فرمود: در عهد رسول خدا (ص)، مردی از انصار قصد مسافرت داشت، هنگام خارج شدن از خانه به همسرش گفت: تا من برنگشته‌ام از خانه بیرون نرو، چندی بعد، پدر زن بیمار شد. این زن شخصی را خدمت پیامبر (ص) فرستاد که شوهرم گفته از خانه خارج نشو ولی اکنون پدرم

بیمار شده است. می‌توانم به عیادت او بروم؟ حضرت جواب فرمود که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن! چند روز بعد خبر رحلت پدرش را به او دادند. باز به پیامبر(ص) پیغام داد که آیامی‌توانم بر جنازه پدرم حاضر شوم؟ حضرت جواب داد که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن! تا اینکه پدرش را بخاک سپردند. وقتی شوهر از سفر آمد بازنش نزد پیامبر رفت. پیامبر(ص) به زن بشارت داد که در مقابل اطاعت تو از شوهرت، خداوند تو و پدرت را آمرزید.»

زن صبور و شکور

«اصمعی وزیر خلیفه عباسی در بیابان به خیمه‌ای رسید. زنی جوان و صاحب جمال درخیمه بود. اصمعی از او آب طلبید. زن گفت: شوهرم نیست و اجازه ندارم به شما آب بدهم. ولی اجازه شیر این بز بدست خودم است. زن از شیر به اصمعی داد. در این موقع سیاهی از دور پیداشد. زن گفت: شوهرم است که از صحرا برمی‌گردد. وقتی شتر سوار رسید، زن باستقبال او رفت و بر او سلام کرد، پاهای او را شست و... ولی هر چه زن

محبّت می کرد، مرد که قیافه زشتی داشت و یک پایش لنگ بود، با بداخلاقی به او جواب می داد. تا اینکه مرد وارد خیمه شد و نگاه غضبناکی به اصمعی نمود و به آخر خیمه رفت. اصمعی به زن گفت: حیف نیست شما با این امتیازات، با همچو مردی زندگی می کنی؟ زن گفت: من از شما که وزیر خلیفه هستی تعجب می کنم که می خواهی بین من و شوهرم جدائی بیافکنی! اگر من با این مرد زندگی می کنم برای این است که می خواهم به روایت پیامبر (ص) عمل کرده باشم که فرمود: ایمان دو نیمه است. نیمه ای شُکر و یک نیمه اش صبر است. من خدا را بر نعمتهایش شکر گفته و بر سختی های زندگی صبر می نمایم. و امید به پادشاهای آخرت دارم.»

عامل خدا در زمین

«مردی خدمت پیامبر (ص) آمد و گفت: ای رسول خدا! همسری دارم که چون به خانه می روم به پیشبازم می آید و هنگام خارج شدن، بدرقه ام می کند. اگر مرا ناراحت ببیند می گوید: ناراحت نباش! که اگر غم روزی رامی خوری، خدا

روزی رسان است. و اگر غم آخرت داری، خداغمهایت را
زیاد کند!

پیامبر(ص) فرمود:

«به او بشارت بهشت بده! و به او بگو که تو یکی از
عاملان خدایی که در هر روز، پاداش هفتاد شهید برای
تو خواهد بود.»

فهرست:

- دعوت خدا به پاکی و پاکدامنی □ ۵
- نمونه هایی از مدح پاکدامنی در قرآن □ ۶
- ازدواج بهترین راه پاکدامنی جنسی □ ۸
- رابطه جهان بینی با پاکدامنی □ ۱۰
- زنان در فرهنگ غرب □ ۱۱
- ایدز! □ ۲۳
- سقط جنین □ ۲۴
- خودکشی! □ ۲۵
- افسردگی □ ۲۶
- خشونت □ ۲۹
- سستی و از بین رفتن حرمت والدین □ ۳۱
- مواد مخدر و کودکان □ ۳۴
- نوجوانان مجرم! □ ۳۵
- کشتار کودکان و شهروندان □ ۳۵

- باز هم خشونت و کشتار □ ۳۶
- تجاوز و هتک حرکت زنان □ ۳۷
- اشاعه مواد مخدر در بین نوجوانان و زنان □ ۴۰
- کثرت زندانیان □ ۴۲
- وضعیت خطرناک دانشجویان و دانش آموزان □ ۴۳
- آمریکای قمارباز! □ ۴۵
- فساد مسئولین حکومتی □ ۴۶
- زنان پاکدامن □ ۷۷
- پاکدامنی جنسی در قرآن □ ۷۸
- یوسف پاکدامن □ ۷۹
- فصل دوم: آثار مخرب ناپاکی در جامعه و خانواده □ ۸۰
- ۱- پیدایش هرج و مرج در روابط خانواده □ ۸۱
- ۲- ظهور جنایات و ظلم بوسیله فرزندان حرام! □ ۸۶
- شهادت حضرت یحیی (ع) به دستور یک زن فاسد □ ۸۷
- یک فرزند و چند پدر! □ ۸۷
- فرزند زن زناکار! □ ۸۸
- مادر حجّاج خونخوار! □ ۸۸

۳- اشاعه بیماریهای عجیب و غریب □ ۸۹

۴- سقط جنین و از بین بردن فرزندان حرام □ ۸۹

بازدید از جهنم در معراج! □ ۹۱

فرق پاکدامنان با ناپاکان! □ ۹۳